

موج خون در زندانهای کشور

جنگل‌های مازندران در سال ۱۳۶۵ دستگیر شده بودند. - در شهر لنگرود در استان گیلان، ده‌ها تن از زندانیان سیاسی تیرباران شدند. - قریب ۷۰ تن از زندانیان سیاسی را از اوین و دیگر زندانهای تهران به مقرهای ساواک خمینی (وزارت اطلاعات) منتقل کرده و تحویل دژخیمان این سازمان متحوش داده‌اند. از آن پس هیچ خبری از این زندانیان به دست نیامده است. مأموران ساواک هیچ خبری پیرامون سرنوشت آنان خانواده‌هایشان نمی‌دهند. - در زندان دستگرد اصفهان هدهای از زندانیان بقیه در صفحه ۳

نشریات دیگر سازمانهای اپوزیسیون در خارج کشور آمده است، همگی بیانگر گستره فاجعه‌بار اعدام‌های جمعی است. بخشی از این خبرها چنین است: - در گوهردشت کرج در یکی از موارد اعدام جمعی، حدود ۱۰۰ تن از زندانیان سیاسی را تیرباران کرده‌اند. همه آنها از چندین سال پیش در اسارت بوده‌اند. - در آمل ده‌ها تن از زندانیان سیاسی را اعدام کرده‌اند. اعدام‌شدگان، کسانی بودند که از چندین سال قبل در زندان به بند کشیده شده بودند. هدهای از آنها جزو کسانی بودند که به اتهام شرکت در عملیات مسلحانه در

کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران پرداخته‌تر از پیش ادامه دارد. در زندان‌های همه شهرهای ایران حمام خون بپا کرده‌اند. دژخیمان جمهوری اسلامی به انتقام‌جویی از مردم ایران دست‌یازیده‌اند، بهترین فرزندان این خاک و بوم را که اسیر خود کرده‌اند، یک‌به‌یک و گروه‌به‌گروه به خون می‌کشند. کشتار رادر خفا پیش می‌برند. رسانه‌های خبری رژیم هیچ خبری پیرامون این کشتار و اسامی قربانیان منتشر نمی‌کنند. اما از هیچ شهر و زندانی نیست که خبری پیرامون کشتار زندانیان نرسیده باشد. خبرهایی که بدست ما رسیده و یا در



دوشنبه ۹ آبان ۱۳۶۷ برابر ۳۱ اکتبر ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۳۱

بازهم درباره ضرورت دفاع متحدانه از جان زندانیان سیاسی

از زندانها مدام خبرهای تکان‌دهنده می‌رسد. اکثر نشریات سازمانهای اپوزیسیون حاوی خبرهای متعددی در مورد اعدام‌های دسته‌جمعی در زندانهای سیاسی رژیم خمینی‌اند. همه خبرها و تحلیلها حاکی از آن است که رژیم در صدد است عده‌ها هرچه بیشتری از زندانیان سیاسی را تیرباران کند. در هفته‌ها و ماههای اخیر عده کثیری اعدام شده‌اند و عده کثیر دیگری در آستانه اعدامند. بسیاری از تیرباران‌شدگان یا کسانی که در لیست اعدام قرار دارند، محکومیت اعدام نداشته‌اند و بعضا حتی طبق احکام خود بیدادگاههای رژیم می‌بایست مدت‌ها پیش آزاد می‌شدند.

جمهوری اسلامی بر طبق نقشه‌های حساب شده، دست‌به‌تتل‌عام در زندانها زده‌است. رژیم خود می‌داند که قادر نیست بیش از این از طرح مساله زندان و زندانی در سطح جامعه جلوگیری کند، جلوی بازدید مراجع بین‌المللی از زندانهای سیاسی ایران را بگیرد و رویه تا کنون خود را در این زمینه ادامه دهد. بقیه در صفحه ۲

از سرگیری مذاکرات ایران و عراق در ژنو

دبیرکل سازمان ملل، الکساندریورک سفیر آلمان فدرال و رئیس شورای امنیت، بیانیه این شورا را که در آن در مورد روند کند مذاکرات صلح اظهار نگرانی شده‌است، تراثت کرد. در این بیانیه از ایران و عراق خواسته شده است با دبیر کل بیشترین همکاری را به عمل آورند تا امکان تحقق همه‌جانبه و سریع قطعنامه ۵۹۸ فراهم شود. جمهوری اسلامی در هفته گذشته بار دیگر تاکید کرد که خواهان مبنا قرار دادن توافق ۱۹۷۵ الجزایر برای مذاکرات است. به گزارش خبرگزاری بقیه در صفحه ۶

پرز دو کوئیار با اشاره به اینکه در آینده نزدیک مبادله برخی از اسرای جنگی آغاز خواهد شد، گفت از آنجا که ایران و عراق ظاهراً آماده‌اند حسن نیت نشان دهند، نسبت به سرنوشت مذاکرات خوشبین است. - مذاکرات صلح، در روز سوم شهریور در ژنو با حضور ولایتی و طارق هریز و زرای خارجه ایران و عراق آغاز شد. دور دوم، در روز ۲۲ شهریور در ژنو و دور سوم در سیم شهر یورک ماه در نیویورک انجام گرفت. در جریان کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته

در روز دوشنبه ۹ آبان (۳۱ اکتبر) دور جدید مذاکرات صلح ایران و عراق در ژنو آغاز می‌شود. خاورپرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد در نیویورک اعلام کرد در دیدار وزرای خارجه ایران و عراق در ژنو شرکت خواهد کرد. روی افزود که احتمالاً چهار یا پنج روز در سوئیس خواهد ماند و سپس جای خود را به یان الیاسون، نماینده ویژه اش خواهد سپرد. دبیرکل سازمان ملل اظهار امیدواری کرد که دور جدید گفتگوها بطور ثمر بخش پیش رود و به ایجاد اعتماد میان دو طرف کمک کند.

سوان رژیم در سفرهای پی‌درپی به کردستان چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

در یکی دو هفته گذشته، مقامات سیاسی و نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی سفرهای متعددی را به مناطق کردنشین در غرب کشور به انجام رساندند. هاشمی رفسنجانی، سپهسالار خمینی روز یکشنبه ۲۴ مهر سفر خود به ایلام، باختران، مهران و اسلام‌آباد غرب را آغاز کرد. خامنه‌ای رئیس‌جمهور روز سه‌شنبه ۲۶ مهر رهسپار آذربایجان غربی و سپس کردستان شد. روز قبل از آن

وزیر اطلاعات رژیم، محمدی ری‌شمری هازم منطقه شده بود. مقامات رژیم در سخنرانی‌ها و گفتارهای خود بویژه در بخش‌هایی که در رسانه‌های خبری بازتاب می‌یافت تلاش کردند اهداف خود از این سفرها را در چارچوب بازدیدهای معمولی از مناطق و بررسی امر بازسازی محصور سازند اما تحلیل شرایط توجه دقیق‌تر به مناطق مورد بازدید، سخنان

ایراد شده و ترکیب هیات‌های همراه ردپای توطئه‌ای جدی علیه خلق کرد را آشکار می‌کند. رفسنجانی در پایان دیدار خود از غرب کشور که مناطق مرزی استان باختران، دیدار از یادگان‌های منطقه و پایگاه هوایی روز باختران را نیز شامل می‌شد، ابراز داشت: "انظور که من دیدم نیروها از این دوره خوب استفاده کرده‌اند. آموزش‌ها را بالا برده‌اند و ذخایر مصرفی بقیه در صفحه ۵

در این شماره

نگاهی به پدیده آلونک نشینی در تهران

در صفحه ۸

شط‌العرب (اروند رود)

در صفحه ۶

اکتبر سرخ و جهان امروز

در صفحه آخر

بازهم درباره ضرورت دفاع متحدانه از جان زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه اول

بعین جهت است که طرح سر به نیست کردن تعداد هر چه بیشتری از زندانیان سیاسی به اجرا درمی آید تا فردا حتی بتوانند ادعا کنند که در ایران آنقدرها هم که می گویند زندانی سیاسی وجود ندارد! هدف دراز مدت رژیم از این جنایات روشن است. رژیم می پندارد با انتقام گیری از زندانیان سیاسی می تواند جنبش را از وجود یک دسته از کادرهای خود محروم کند و از این طریق آن را تضعیف سازد، می پندارد که بدین ترتیب سازمانهای رزمنده ضعیف شده و از روحیه و توان مبارزاتی جنبش و فعالین آن کاسته می گردد. در این زمینه خمینی راه شاه سرنگون را ادامه می دهد و حتی کوشیده است "اشتباهات شاه در به قتل نرساندن تعداد هر چه بیشتری از فعالین سیاسی" را تکرار نکند، اما خمینی هر چه قدر هم بخواهد جنایتکارانه تر از شاه رفتار کند، نمی تواند جلوی همسانی محتوم سرنوشت خود با سرنوشت رژیم پهلوی را بگیرد. یک نگاه گذرا به تاریخ معاصر ایران ثابت می کند که در این مرز و بوم، مساله زندان همواره در کانون هر جنبش وسیع سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و دژ خیمان بالاخره نتوانسته اند از انتقام خلق بگریزند. رضاخان و پسرش نیز آن هنگام که تاج و تخت خود را متزلزل می دیدند، برای تثبیت خود به انتقام کشی از زندانیان سیاسی رو می آوردند. رژیم خمینی نیز رویه اسلاف خود را پیش گرفته است. جمهوری اسلامی گمان می کند هر چه بتواند بیشتر بکشد، ثبات بیشتری می یابد. تاریخ بر این پندار به تلخی ریشخند می زند. اما در این زمینه که بالاخره جنایات خمینی در زندانها کاملاً بر ملا خواهد شد، و دژ خیمان تقاص پس خواهند داد تنها نباید به ضرورت تاریخ توسل جست، به تجربیات تاریخی اشاره کرد و

وظیفه مبرم امروزمین را یک وظیفه تاریخی مبرم، ندانست. در کانون وظایف امروزمین مادر قبال زندانیان سیاسی، اتحاد عمل در دفاع از جان آنها و برای آزادی آنها قرار دارد. از تاکید بر روی ضرورت اتحاد عمل در این عرصه هیچگاه نباید خسته شد. مدام باید گفت اتحاد عمل و توضیح داد که چرا اتحاد عمل.

به راستی چرا؟ همه کمابیش در دفاع از جان زندانیان سیاسی فعالیت می کنند. در خارج از کشور بخش اعظم فعالیت سازمانهای سیاسی حول افشای جنایات رژیم

خمینی در زندانها و فراخواندن جهانیان به همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران متمرکز است. هر کس به سهم خود و بر مبنای توان خود، وظیفه خود را انجام می دهد و هیچ سازمان جدی رانمی توان نشان داد که نسبت به این موضوع کم توجه باشد. آیا همین خودکافی نیست؟

سازمانهای اپوزیسیون بر حرکت اقدام متحدانه برای انجام این وظیفه سترگ، تاکید می کنند. همه در نشریات خود در این زمینه بارها قلم زده اند و در ضرورت اتحاد عمل چه استدلالها که نیاوردند اما پای عمل که پیش

می آید، هزار بهانه می آورند. آنقدر ماده و تبصره پشت سرهم ردیف می کنند، که دست آخر نتیجه می شود برای یک حرکت ساده مشترک در دفاع از جان زندانیان سیاسی باید در زمینه دنیا و مافیها وحدت نظر کامل داشت. این واقعا با کدام عقل و منطق و اصل ایدئولوژیک جور درمی آید؟

این بی پرنسیپی با توسل به کدام پرنسیب توجیه می شود؟ اتفاقاً در عمل پای "پرنسیپها" پیش کشیده می شود، آنهم به کودکانه ترین شکل، آنقدر کودکانه که کسی جرأت نمی کند آنها را مکتوب کند و هلنا در نشریات خود بنویسد. این پرنسیپها عمدتاً در بخش نامه های درونی ارائه می شوند؛ اتحاد عمل آری ولی ما به دلیل اصولیتهای برنامه های و به دلیل این که اصول ما بر فراز همه دیگر اصول از جمله ضرورت اتحاد عمل قرار گرفته و بنا بر افتاد اصل دیگر از جمله این که ما اصلاً سعی خواهیم با این و آن جریان اتحاد عمل داشته باشیم، ضمن تاکید لفظی بر اتحاد عمل از بایستی عملی بدان مهدوریم! آیا واقعا کسی حرف در خورتامل دیگری دارد؟ صریح و روشن می پرسید تا همه دریابند کدام اصل است که آنقدر "مقدس" است که "تعمدات" "مقدس" اتحاد عمل در زمینه "مصرفات" ترین موضوع را نمی توانی بر آنستاد ما هیچ چیز در سیاست و لغت وجود نیست. همه مسائل فکری، وجودی و عملی است ایدئولوژیک، وجودی و عملی هر فردی و در روابط بین سازمانهای سیاسی، هیچ یک از اینها که به فعالیت در زمینه مبارزه با زندانیان و فقدان بر آنهاست عمل قابل توجه در سیاست، با توجه کنند.

زندان اتحاد عمل در دفاع از زندانیان سیاسی از دامنه مبارزه با فساد است. هر چه در این زمینه بر سرشود، کاملاً در راستای مبارزه با فساد است. هر چه در این زمینه بر سرشود، کاملاً در راستای مبارزه با فساد است.



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

موج خون در زندانهای کشور

پتیه از صفحه اول

سیاسی به جوخه اعدام سپرده شده اند. در رشت در دو نوبت گروه کثیری از زندانیان سیاسی تیرباران گردیده اند. یکی از موارد این اعدامهای جمعی در روز ۱۱ شهریور ماه صورت گرفته است.

در شهرهای اراک، ورامین و مشهد نیز هدهای از زندانیان سیاسی اعدام شده اند.

در اواخر مرداد و اوایل شهریور در زندان فجر اهواز گروهی از زندانیان سیاسی به جوخه های اعدام سپرده شده اند. علاوه بر این از سرنوشت صدها تن دیگر از زندانیان سیاسی این اسارتگاهها خبری در دست نیست. زندانیان چندی پیش گفته بودند که این عده را به زندان اصفهان منتقل ساخته اند. اما مراجعه هدهای از بستگان این زندانیان به زندان اصفهان برای دیدار عزیزان خود بی ثمر بوده است. در آنجا، زندانیان انتقال آنها را به زندان اصفهان تکذیب کردند

.....
موج اعدامها، از ماههای مرداد و شهریور ابعاد فاجعه آسای کنونی را یافته است. در طی این ماهها رژیم خمینی با منع ملاقات

زندانیان با خانواده هایشان کوشید، هرگونه ارتباط زندان را با خارج قطع کند و کشتار را بدون بازتاب ادامه دهد. اما مبارزات دسته جمعی بستگان زندانیان برای لغو این تصمیم ضد انسانی، که به اشکال متنوعی پیش رفت، بالاخره رژیم را به عقب نشینی نسبی واداشت و در همراه ملاقاتها در سطح بسیار محدودی از سر گرفته شد. اما از سرگیری ملاقات به معنی پایان کشتار نبود و در طول مهرماه نیز کشتار در همان ابعاد مرداد و شهریور ادامه یافت که تا به امروز همچنان ادامه دارد.

رژیم سفاک خمینی از انتشار اخبار این آدمکشیهای مخوف جلوگیری می کند. اما نشانه کتمان ناپذیری این فجایع، ردیف گورهای جمعی در گورستان های بسیاری از شهرهای ایران است. رژیم برای مخو این نشانه نیز دست به اقداماتی زده است مواردی از این اقدامات چنین است:

در بهشت زهرا قربانیان کشتار ماههای اخیر ادر گورهای جمعی در کانالهای طولی که کنده اند، خاک کرده اند. در خیمان خمینی برای مخو این نشانه، تا بولدوزر تمام محوطه (حتی

گورهای قدیمی) را صاف کرده اند. اکنون آرامگاه شهیدان در این گورستان به قطعه زمین صافی بدل شده است.

در تبریز گورستان شهیدان را تسطیح کرده آن را با آسفالت پوشانده اند.

در سمنان با بولدوزر تمام محوطه های را که شهیدان جنبش دفن شده اند صاف کرده اند، بگونه ای که باز مینهای اطراف همسان گردیده است. در اینجا نیز بخشی از محوطه تسطیح شده با آسفالت پوشانیده شده است.

در گورستان خاوران که مدفن و مزار انقلابیون کمونیست است، در ماههای اخیر کانالهای متعددی به عنوان گورهای جمعی کنده شده است. این کانالها با اجساد تیرباران شدگان پر گردیده و با خاک پوشانده شده است. در اینجا نیز رژیم برای جلوگیری از برآورد ابعاد جنایتش دستور داده است خاک محوطه را زیر و رو کرده و سپس با بولدوزر صاف نمایند. علاوه بر آن دروازه گورستان را نیز با قتل سنگینی بسته و مانع حضور خانواده ها گردیده اند. تنها پس از اعتراضات ممتد به خانواده ها اجازه داده اند با حضور

پاسداران در زمان محدودی در گورستان بمانند.

اجساد اعدام شدگان اخیر زندان گوهر دشت را برای دفن به خاوران یا بهشت زهر انتقال نداده اند. آنها را در محلی در همان حوالی زندان گوهر دشت، در قطعه زمینی نزدیک جاده تزوین به خاک سپرده اند.

اعدام شدگان زندان اهواز در گورستان ویژه ای در بیابانهای اطراف اهواز دفن شده اند.

کسانی را که در زندان ننگرود تیرباران کرده اند، جدا از هم در چندین گورستان در شهر و روستاهای اطراف به خاک سپرده اند.

.....
بدین ترتیب رژیم می کوشد آثار جنایات هولناک خود را پاک کند و قتل زندانیان سیاسی در خفا و بدون بازتاب ادامه یابد. شرایط کنونی، یکی از فاجعه بارترین و فم بارترین موقعیت برای زندانیان سیاسی ایران است. هیچ یک از زندانیان سیاسی از خطر مرگ در امان نیست. برای بازداشتن خمینی جلا از تداوم این جنایات باید افکار عمومی جهانیان را به مدد فراخواند.

کارزار دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران باید گستره ای فراختر ابعاد این جنایات مخوف بیابد. شرکت در این کارزار و وظیفه بلاد رنگ و مقدم هر هنر انقلابی، هر انسان آزاده و هر ایرانی شریف است.

این موضوع هم اکنون نیز با جدیت مطرح است و کیست که نداند میرمیت آن تا چه حد است. چه می کنیم؟ آیا حاضریم بردانه کارزار دفاع از جان زندانیان سیاسی بیفزاییم یا نه؟ به اعتقاد ما مساله را باید چنین مطرح کرد هر شکل دیگری که به طرح این سؤال و به بیان این مساله بدهیم به بیراهه رفته ایم. آیا می خواهیم به رساترین شکل صدای زندانیان سیاسی ایران به گوش جهانیان برسد؟ آیامی خواهیم از جنایات رژیم خمینی بیشترین افشاگریها به عمل آید؟ آیا می خواهیم تشکلهای دموکراتیک و مستقل حول محور دفاع از جان زندانیان سیاسی قوام و گسترش یابند؟

آری؟ پس برای چه مرددیم؟ پشت کدام توجیه پناه می گیریم تا از پاسخ دادن عملی به این پرسشها بگریزیم؟ و اتفاقا چرا دستمان برای متحد شدن می لرزد؟

انقلابی باقی نخواهد ماند؟ واقعا آیا مجازیم که گناه این وضعیت را به گردن دیگران بیفکنیم و از تصویرها و تقصیرهای خود چشم پپوشیم؟ جنگ سپری شد، اما ما بالاخره باید پاسخ دهیم که چرا در اوج جنگ شهرهاجم نتوانستیم متحدانه عمل کنیم. مساله میرم دیگرى نیز همواره وجود داشته است به نام مساله زندانیان سیاسی.

تظاهرات در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی

روز ششم اکتبر در شهر برلین فربى بدعوت "کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران" و "کانون پناهندگان سیاسی ایران" تظاهراتی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در سیاهچاله ای رژیم خمینی بر پا گردید. در این تظاهرات نزدیک به ۳۰۰ تن از ایرانیان مقیم برلین فربى شرکت داشتند. این تعداد در مقیاس با مجموعه ایرانیان مقیم این شهر رقم اندکی است، اما با توجه به اجتماعات پیشین حائز اهمیت و امیدوار کننده است. توفیق نسبی این حرکت اعتراضی بخاطر حمایت طیف وسیعی از نیروهای سیاسی مترقی ایرانی حاصل شد و ثمره کار مشترک فعالین این سازمانهاست که با قلبه بر تنگ نظری تحقق یافت.

کانون خانواده های زندانیان سیاسی و یاکانون زندانیان سیاسی نتوانند قوام لازم را بیابند. همین درکها باعث شده است درک انحرافی دیگری به عنوان همزاد آنها رواج یابد که "سازمانهای سیاسی مخمل مبارزه دموکراتیک اند و برای مبارزه دموکراتیک باید از تشکلهای سیاسی فاصله گرفت"

آیا باید بپذیریم که به هر دلیل و بهانه ای دامنه مبارزه در راه نجات جان زندانیان سیاسی وسعت لازم خود را نداشته باشد؟ ممکن است ایراد گرفته شود که نباید قضیه را صرفا خلاقی دانست و ریشه های سیاسی وضع موجود را از نظر دور داشت. اما مگر مهمترین تجربیات ما نمی گویند که یک لحظه نیز نباید فاصله گیری اخلاق و سیاست را بپذیریم و بپنداریم که یک امر وجدانی و

در آستانه اجلاس اوپک

اجلاس مادرید از روز پنجشنبه ۲۸ مهر ماه به مدت سه روز با شرکت وزرای نفت ۸ کشور تولیدکننده عمده نفت اوپک تشکیل شد. وزرای نفت عربستان، عراق، ایران، نیجریه، اندونزی، کویت، الجزایر، ونزوئلا در پایان گفتگوهای سه روزه خود از ایران و عراق خواستند طی گفتگوی دو جانبه به اختلافات خود پیرامون سهمیه تولید پایان دهند و اوپک را در قلبه بر بحران کاهش قیمت و تخلف از نظام سهمیه بندی یاری کنند. طی اجلاس مادرید آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی و «مصام عبدالرحیم الجلیبی» وزیر نفت عراق برای اولین بار پس از هشتاد و سومین اجلاس هادی اوپک در دسامبر سال گذشته با یکدیگر به مذاکره و تبادل نظر پرداختند. جمهوری اسلامی که تاکنون با برابری سهمیه با عراق به شدت مخالفت می کرد، در اجلاس به سیاست تازه ای که حاکی از نرمش در مقابل عراق و مجموعه اوپک بود دست زد و این اصل را پذیرفت که صادرات و درآمد عراق از فروش نفت با ایران برابر باشد ولی اعلام داشت با توجه به آن که مصرف داخلی ایران قریب سه برابر مصرف داخلی عراق است بنابراین باید سهمیه تولید کلی جمهوری اسلامی روزانه ۷۵۰ هزار بشکه از عراق بیشتر باشد تا هر دو کشور بتوانند به میزان مساوی نفت صادر کنند. بنا به اظهارات آقا زاده مصرف داخلی نفت در ایران روزانه یک میلیون بشکه و در عراق ۳۵۰ هزار بشکه است.

دولت عراق بعد از بازگشت «جلیبی» وزیر نفت آن کشور به بغداد پیشنهاد جمهوری اسلامی مبنی بر برابری در میزان صادرات را رد کرد و اعلام داشت همچنان خواستار تعیین سهمیه برابر در مجموعه تولید است نه فقط صادرات. در پاسخ به همین اظهارات آقا زاده روز پنجشنبه ۶ آبان با شرکت در میزگرد سیاسی شبکه دوم سیما جمهوری اسلامی اظهار کرد که رژیم تهران بیشتر از آنچه در اجلاس مادرید پیشنهاد کرده است نمی تواند نرمش نشان دهد. وی گفت پذیرش سهمیه برابر در تولید به معنی کاهش ۷۵۰ هزار بشکه از صادرات نفت ایران نسبت به صادرات نفت عراق خواهد بود ما هیچ تضمینی را که متضمن سهمیه برابر تولید نفت ایران و عراق باشد امضا نخواهیم کرد.

همزمان با درگیریهای ایران و عراق در اوپک، امارات متحده عرب نیز خواستار افزایش سهمیه تولید این کشور در نظام سهمیه بندی اوپک در اجلاس آتی شد. سعید العطیه وزیر نفت امارات گفت کشورش به علت سقوط قیمت نفت با مشکلات شدیدی برای تامین هزینه برنامه های عمرانی خود روبروست و ضروری است که سهم تولید این کشور از ۷۵۰ هزار بشکه در روز به ۱/۵ میلیون بشکه افزایش یابد.

اجلاس آینده اوپک طبق جدول زمانی تا یک ماه آینده باید برگزار شود. روابط جمهوری اسلامی و عراق و تقاضای افزایش سهمیه تولید از سوی برخی از اعضا مشکلاتی است که بدون قلبه بر آن پیش از برپایی اجلاس، بحران اوپک شدت خواهد یافت.

وزیر برکنار شده سپاه مشاور رفسنجانی شد

حکم خود خطاب به رفیق دوست دستور داد امور صنایع نظامی و لجستیک در ارتش و سپاه را بررسی و پیگیری کند و گزارش آن را همراه با نظرات اصلاحی خود در اختیار وی گذارد. رفیق دوست پیش از تغییرات اخیر در کابینه موسوی که در شهریور ماه صورت گرفت، وزیر سپاه پاسداران بود. در مجلس به هنگام صدور رای اعتماد به وزرای پیشنهادی، گفته شد، در زمان وزارت رفیق دوست، در سپاه پاسداران بودجه عظیمی تحت عنوان تولید جنگ افزارهای تولیدی زمینی، دریایی و هوایی و طرح ریزی حیث و میل شده است.

نحوه شناسایی افراد ممنوع الخروج در اداره گذرنامه

ملکیتی رسیده است و قرار است با همکاری مسئولان مربوطه بزودی جامعه حمل بیوشد. رئیس اداره گذرنامه در مورد آزادی مسافرت بانوان متاهل به خارج از کشور تاکید کرد بر خورد رژیم در این مورد مثل گذشته است و رضایت شوهر جهت بانوان متاهل الزامی است و این امر باید به تایید دفاتر اسناد رسمی رسیده باشد. وی افزود: با توجه به مصوبه اخیر دستگاه های اجرایی کشور صدور گذرنامه برای افراد کمتر از ۱۸ سال به تنهایی ممنوع می باشد و این گونه افراد می توانند به عنوان همراه در گذرنامه والدین خویش اقامت از کشور خارج شوند.

تجار با جان مردم بازی می کنند

مستتمیا به اتاق عمل برده میشود و دکتری که برای عملش تائیده را نیز به حساب می آورد، در آن لحظه که مثلا به نخ صفر هشت احتیاج دارد تازه متوجه میشود که نخ مزبور آن چیزی نیست که باید بکار برده شود. وی افزود از توزیع کنندگان نخ ها یک دستگاه ساخت «آبودی» (دستگاهی که بانوان برای جلوگیری از حاملگی از آن استفاده می کنند) نیز کشف شده که احتمالا با آن تعداد زیادی «آبودی» قلابی تهیه و با مارک های معروف به بازار عرضه شده است که چنانچه مورد استفاده قرار گیرد چه بسا امراض سرطان زا و بسیار خطرناکی را به رحم بانوان منتقل خواهد کرد.

امضای قرارداد استرداد پناهندگان و مبارزین بلوچ میان ایران و پاکستان

پاسداران علیه پناهندگان صورت می گیرد. هم اکنون پاسداران جمهوری اسلامی در برخی از شهرهای پاکستان از جمله اسلام آباد، کراچی و کوئته «پایگاه» دارند و با همکاری پلیس پاکستان مشغول پیگرد و شناسایی پناهندگان و سربازان فراری ایرانی هستند. یکی دیگر از اهداف مهم قرارداد مذکور مقابله با جنبش خلق بلوچ و جلوگیری از فعالیت مبارزین در آن منطقه است. جمهوری اسلامی و پاکستان تلاش دارند با اقدامات مشترک، خلق بلوچ را سرکوب کنند.

محسن رفیق دوست وزیر سابق سپاه پاسداران از سوی هاشمی رفسنجانی به سمت مشاور جانشین فرمانده کل قوا در امور صنایع نظامی و لجستیک و تدارک نیروهای مسلح برگزیده شد. رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوای مسلح جمهوری اسلامی روز چهارشنبه طی حکمی که به نام رفیق دوست صادر کرد وی را فردی با سوابق درخشان خواند و اعلام داشت که انتخاب رفیق دوست به سمت مشاور نظامی جانشین فرمانده کل قوا با توجه به سوابق و خدمات و کاردانی وی صورت گرفته است. رفسنجانی در مقام جانشین فرمانده کل قوا در

سرهنگ سلطانی رئیس اداره گذرنامه در گفتگویی با مطبوعات شرایط صدور گذرنامه و مشمولین منع خروج از کشور را توضیح داد. وی در این زمینه که افراد ممنوع الخروج شامل چه کسانی می شوند و اسامی آنان چگونه به اداره گذرنامه ابلاغ می شود گفت: اسامی افراد ممنوع الخروج از طریق مراجع قضایی به اداره گذرنامه شهرستانی جمهوری اسلامی اعلام میشود و در همان روز به کلیه دوائر صدور گذرنامه شهرها و مرزهای ورودی و خروجی کشور اعلام می گردد. هم چنین برای سرعت کار، اقدامات گسترده ای در مورد کامپیوتری کردن اسامی افراد ممنوع الخروج انجام شده است و لزوم بکارگیری سیستم مزبور به تایید مسئولان

هفته گذشته بازپرسی شعبه پنج دادسرای عمومی تهران نتایج اقدامات خود برای کشف شبکه توزیع نخ تقلبی بخیه جراحی های حساس چشم را در اختیار مطبوعات گذاشت. بازپرسی تهران فاش ساخته که هزاران بسته نخ که بر روی آنها برچسب تقلبی نخ بخیه چشم با مارک «تیکون» چسبانده شده، در بازار توزیع گردیده و از طریق بازار در اختیار اتاق عمل جراحی بیمارستان های کشور قرار گرفته است. بازپرس تهران در مورد اینکه با وجود این نخ ها چه وضعی پیش خواهد آمد، گفت: از آنجا که نمی شود در موقع خرید این نخ ها را از داخل سلفون بیرون آورد و چک نمود این نخ ها احتمالا

هفته گذشته در جریان دیدار قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی از پاکستان، قرارداد تازه ای میان دو کشور در زمینه مبادله مهاجرین و پناهندگان به امضا رسید. بر اساس این قرارداد که توسط صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان و بشارتی قائم مقام ولایتی در اسلام آباد امضا شد، ایران و پاکستان توافق کردند که اشرار و مجرمین طبق قوانین استرداد مرزی تحویل داده شوند.

هدف قرارداد رسمیت بخشیدن به اهمالی است که در حال حاضر توسط پلیس پاکستان و

فعالیت دادگاههای زمان جنگ ادامه دارد

در پایان جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ که در روز پنجشنبه ۲۸ مهر ماه به ریاست خامنه‌ای برگزار شد، اعلام گردید که مصوبات شورای عالی پشتیبانی جنگ کماکان به قوت خود باقی است. در جلسه محاکمه مشمولان فراری تاکید و تصریح شد و مسئولیت آن به دادگاههای زمان جنگ واگذار گردید. در این زمینه روزنامه کیهان ۲۸ مهر ماه نوشت: "اجرای قانون تشدید مجازات مشمولان فرایب و فراری و همچنین مجازات کسانی که با جعل یا اقدامات غیرقانونی موجبات فریب یا فرار مشمولان را از خدمت وظیفه عمومی فراهم نمایند به سازمان قضایی نیروهای مسلح و دادگاه زمان جنگ واگذار گردید."

کرسی‌های خالی مجلس انتخاب می‌شوند هم‌اکنون مجلس شورای اسلامی ۲۵۰ نماینده دارد.

توزیر خارجه کانادا روز پنجشنبه ۲۸ مهر در یک بیانیه که در او تواتر انتشار یافت اعلام کرد که سفارت آن کشور در تهران از تیرماه گذشته بازگشایی شده و دو کشور روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفتند به گزارش "فرانس پرس" در بیانیه وزیر خارجه کانادا گفته شده در این مرحله از روابط کارمندان سفارت کانادا در تهران به امور مربوط به بازرگانی و کنسولی خواهند پرداخت.

توزیر صنایع و انرژی اسپانیا همراه یک هیات ۶ نفری مرکب از مدیران شرکت‌ها و صاحبان صنایع این کشور و... برای دیدار یک هفته‌ای از روز اول هفته گذشته وارد تهران شدند. وزیر صنایع طی اقامت در تهران با رؤسبانی،

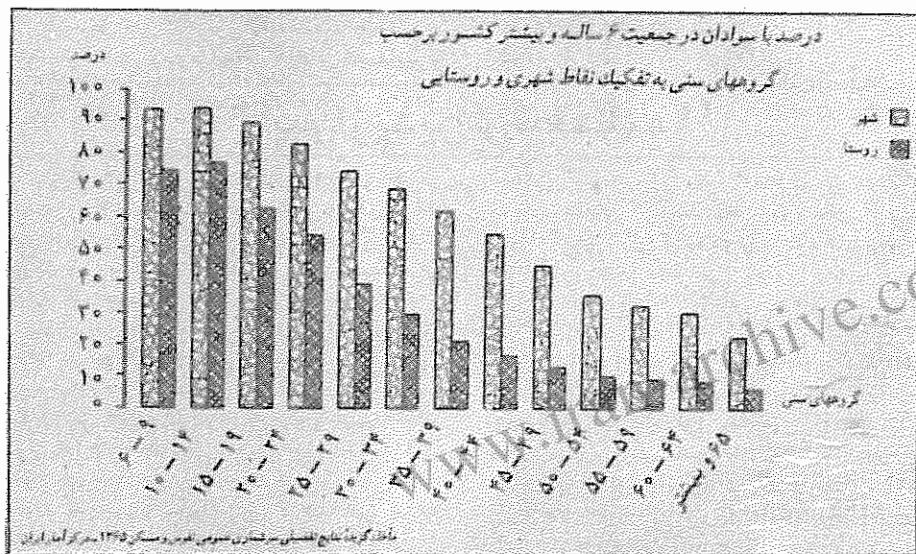
موسوی نخست‌وزیر و برخی دیگر از وزرا دیدار و گفتگو کرد. در این دیدارها سرمایه‌گذاری و همکاری شرکت‌های اسپانیایی در زمینه صنایع غذایی، پتروشیمی، پالایشگاه، نیروگاه، کارخانجات سیمان و ماشین‌ابزار مورد بحث قرار گرفت. در پایان هفته وزیر صنایع اسپانیا تهران را به قصد مادرید ترک کرد اما هیاتی که همراه وی به ایران سفر کرده بود، در تهران ماند.

در آتن اعلام شد که موسوی نخست‌وزیر در آینده نزدیک به یونان سفر می‌کند. کی‌جو رچیو، دبیرکل وزارت خارجه یونان طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت سفر موسوی به یونان به محض بهبود حال "آندره پاپاندرو" نخست‌وزیر این کشور صورت خواهد گرفت.

از میان دیگر رویدادها

نشست نمایندگان بانک‌های تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اکتوبر ۱۹۸۷، روز سه‌شنبه سوم آبان به کار خود پایان داد. در این نشست که به مدت چهار روز در محل دبیرخانه اکتوبر تهران برگزار شد، نمایندگانی از بانک مرکزی و بانک‌های تجاری ایران و پاکستان و ترکیه شرکت داشتند و طی آن امکانات مختلف همکاری میان بانک‌های تجاری سه کشور بررسی شد و تدابیری برای توسعه این همکاری‌ها اتخاذ گردید.

به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور، روز هفتم آبان انتخابات میان‌دوره‌ای سومین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۶ حوزه انتخابیه در تهران و شهرستانها برگزار شد. در ۱۶ حوزه مجموعاً ۲۵ نفر از کاندیداها برای تکمیل



جشن "دنیای کارگر"، ارگان حزب کمونیست اسپانیا

را با مردم ایران در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند.

ایران را مورد بازدید قرار دادند و با امضای اوراق اعتراضی و دادن کمک مالی مراتب همبستگی خود

سران رژیم در سفرهای پی‌درپی به کردستان

تسلیم پیشمرگان کرد به رژیم، جنگ روانی علیه خلق کرد را ادامه داد.

حضور همزمان مقامات طراز اول رژیم سرکوبگر خمینی در مناطق کردنشین کشور، با توجه به سابقه عمل این جلادان خلق کرد، نشانه طرح‌های تازه‌ای که علیه این خلق تدارک دیده‌اند که با توجه به کارکرد خونبار هم‌تای عراقی آنها - صدام حسین - در کردستان عراق طی ماه‌های اخیر، باید با شیباری پی‌گرفته شوند.

بقیه از صفحه اول جنگ که معمولاً در عملیات در محدودیت قرار می‌گرفتند در این چند ماه نسبتاً خوب آماده شد و در سخنرانی خود از "توطئه‌های استکبار" در برانگیختن مردم کرد سخن گفت. هدف سفر محمدی ری شهری وزیر اطلاعات به کردستان نیز توسط روزنامه‌های رژیم: "دیدار با مردم و مسئولین و بررسی کینی کار اداره اطلاعات" ذکر گردید. وزیر اطلاعات رژیم، بار دیگر با تکرار یاوه‌های دیرینه در زمینه

"خولیوانگتیا" دبیرکل حزب طی یک سخنرانی در دومین روز جشن اعلام داشت که حزب بحران هایش غلبه کرده است. او از همه نیروهایی که از حزب انشعبا کرده‌اند، خواست به صفوف حزب خویش بازگردند. "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان مابدهوت "دنیای کارگر" در این جشن حضور داشت. فدائیان خلق ضمن برپایی فرقه مشتری با توده‌ای‌ها، دست به افشاکاری سیاسی علیه سیاست‌های ضد مردمی رژیم خمینی زدند و بازدیدکنندگان از فرقه را در جریان آخرین تحولات سیاسی و اجتماعی ایران قرار دادند. در طول روزهای جشن تعداد کثیری از ایرانیان مخیم مادرید و همچنین ده‌ها هزار نفر از مردم اسپانیا فرقه

جشن سالانه ارگان حزب کمونیست اسپانیا "دنیای کارگر" امسال در روزهای ۷، ۸، ۹ اکتوبر در مادرید پایتخت اسپانیا برگزار شد. در طول ۳ روز برگزاری جشن ۵۰۰ هزار نفر از مردم اسپانیا با شور و اشتیاق از آن بازدید کردند. فضای جشن امسال با سالهای گذشته تفاوت داشت. چرا که اولین گردهمایی بزرگ پس از تغییرات وسیع ناشی از مصوبات گنگره دوازدهم حزب بود. در جریان برگزاری گنگره دوازدهم، دبیرکل و هفتاد درصد از اعضای کمیته مرکزی حزب تعویض شدند. جشن امسال "دنیای کارگر" در واقع برای اعضا و هواداران و در همین حال ناظرین سیاسی تجلی آغاز دوران تازه‌ای در حیات حزب بود.

مرگ تدریجی

«... سرنوشته یک ملت به دست قومی است که خدا میداند در پلیدی و پستی مرز نمی‌شناسد هر بار به ملبه‌های خون این ملت را به شیشه می‌کنند و اینک شعارشان بازسازی اقتصادی است و جنگ قدرت آغاز شده است. تا دیروز اگر جنگ بود اما سرهمه‌شان توی یک توپره بود و همه باهم می‌خوردند و باکم و زیادش می‌ساختند اما امروز زمان زمانی دیگر است. خدم و حشم‌شان زیاد شده است هر کس برای خود طویله و توپره‌ای جدا می‌خواهد که چون و چرا نکنید. بار دیگر اعدام‌ها هلنی و بی‌حد شده است...»

ایران ما امروز چهره‌ای نحیف و محتضر دارد و مسلولی را می‌ماند که هر روز خون بالا می‌آورد...»

امروز دلیرترین فرزندان این میهن یاد دل خاک آرمیده‌اند و یا آواره بلاد قربت‌اند. صدیق‌ترین مردان این آب و خاک آنان که بیش از هر کسی ایرانی بودند اینک بیگانه‌اند... چه می‌گویم قرار بود فقط از خودم بگویم ولی مگر سرنوشته من از سرنوشته میهنم جداست. سه ماه پیش دوران سربازیم را به پایان رساندم و خوشحال بودم از اینکه جان سالم بدر برده‌ام و به خانه برگشته‌ام اما نمی‌دانستم که مرگ تدریجی به انتظارم نشسته‌است. ابتدا در یک شرکت خصوصی شروع به کار کردم و بسیاری چیزها در محیط کار دیدم. زدوبندها، اختلاس‌ها و خلاصه همه و همه کثافتکاری‌هایشان را به چشم دیدم. آنجا بود که فهمیدم در این مملکت نداشتن قانون کار یعنی چه و استثمار و بردگی را که بارها در کتاب لغت معنی‌اش را می‌جستم به واقع دیدم و برجام نشست...»

اعتیاد بیاد می‌کند

«در ایران و بویژه در استان کرمان اعتیاد بیاد می‌کند. در واقع معتاد بودن و یا اقدام به خرید و فروش آن دیگر چندان عمل زشتی به حساب نمی‌آید. در بسیاری از خانواده‌ها، حتی اگر معتاد هم نباشند بعنوان سرگرمی و یا مهمان نوازی پس از شام یا نهار با ساطم نقل و وافور بر پا می‌شود. بسیاری از افراد وابسته به خانواده‌های فقیر و متوسط الحال جهت مداوای بیماری‌هایشان از تریاک بعنوان یک داروی شفابخش و یا مسکن استفاده می‌کنند. در شهرستان جیرفت همچون مسکن استامینوفن، به تریاک نام «استامینوفت» را داده‌اند. در طی سال گذشته در شهرستان سیرجان ۱۶ نفر در اثر تزریق مواد مخدر بخود با آمپول، کشته شده‌اند این رقم تنها شامل آنهایی است که اجسادشان همراه با آمپول در کنارشان پیدا شده است. دیده شده است که برخی از آنهایی که به مواد مخدر دسترسی ندارند، ته‌سیگارها را جمع کرده و ساعت‌ها می‌جو شانند بطوریکه از چند لیتر آب فقط چند سانتی مکعب باقی بماند و سپس محلول بدست آمده را به خود تزریق می‌کنند.»

کارگران کارخانه قند و ۸۴ ساعت کار در هفته

گردآهک، صداهای شدید، اختلاف شدید درجه حرارت و گرما و سرما در قسمت‌های مختلف کارخانه و رطوبت زیاد بشدت سلامتی کارگران را در مخاطره می‌اندازد. زیادی شدید ساعات کار و محیط نامساعد باعث فرسودگی، از کارافتادگی و پیری زودرس کارگران شده است. بسیاری از آنان قبل از رسیدن به سن بازنشستگی به علت عوامل ذکر شده فوت می‌کنند. آن تعدادی که به سن بازنشستگی می‌رسند به قدری هلیل و فرتوت شده‌اند که مدت زمان اندکی پس از آن می‌میرند.

کارگران کارخانه‌های قند تاکنون اقدامات اعتراضی مختلفی نسبت به شرایط کار خود انجام داده‌اند. اعتراضات این کارگران پس از پذیرش قطعنامه افزایش یافته است. یکی از نکات مورد تاکید کارگران در این اعتراضات شناخته شدن کارکنان کارگران این واحدها در زمره کارهای سخت و زیان آور است.»

«پس از پذیرش قطعنامه»

بسیاری از مشمولین خود را معرفی نکردند. در دهات اصفهان از چند ماه پیش، مثل دوران سربازگیری زمان شاه، جوان‌ها خودشان راتوی چاه‌های همیق قدیمی بیرون ده پنجان می‌کردند. از لحاظ اقتصادی مردم امیدوارند وضع بهتر شود. در مقابل ما چک و چانه‌ها محدود شده است به اینکه «بابا حالا که جنگ تمام شده کمی ارزان تر بده». شوخی‌های مردم هم جای خود را دارد. اینکه «توی بمبشت زهر اقطعه ۵۹۸ برای بازاری‌هایی که سگته کرده‌اند اختصاص داده شده‌است و اطابق ۵۹۸ بیمارستان قلب برای بازاری و رشکسته است و دو آمبولانس همیشه بین بازار و بیمارستان برای انتقال بازاری‌های سگته کرده در حرکت است و...»

توی اداره رادیو چند حزب اللهم در «سوک صلح» مشکلی پوشیده بودند و بین شان دعوای جانانه‌ای در گرفته بود. حکومت پس از حمله مجدد عراق معلوم‌نمایی کرد و توانست موقتاً خود را از زیر ضرب خارج کند.»

گسترش عرفان

شخصیت، هیچ شمردن دنیا و مافیها معرفی می‌کند. این پدیده در کنار گسترش اعتیاد به تریاک و مصرف حبشیش (که قیمت آن نیز خیلی ارزان شده است) قابل توجه است. بازار کتاب‌های «عرفانی» نیز بسیار داغ است. کتاب‌های «کارلوس کاستاندا» مردم‌شناس آمریکایی که در آمریکای جنوبی با «شمن‌ها» دیدار داشته است (در ده جلد) از کتاب‌های پرفروش است. اگرچه این کتاب ظاهراً جنبه روانشناسانه دارد ولی در واقع همان مراحل عرفان را با همان دید منفعلانه مطرح می‌کند. کتاب‌های عرفان شرقی در صدر کتاب‌های پرفروش قرار دارند. زن، شخصیت‌سازی، عرفان بودا و... بازار را پر کرده‌اند.»

«کارخانه‌های قند در ارومیه و خراسان به دلیل فصلی بودن دریافت مواد اولیه از کشاورزان و نحوه سازماندهی کار بین چهار تا هفت ماه در سال را به طور شبانه‌روزی کار می‌کنند. این مدت را ایام بهره‌برداری کارخانه نام نهاده‌اند. مسئولین کارخانه راه افزایش سود را در افزایش شدت کار کارگران یافته‌اند. آنها به جای برنامه‌ریزی سه‌شیفت کار، کارگران را در ایام بهره‌برداری «مجبور به کار در دو شیفت ۱۲ ساعته یعنی یک شیفت در شب و یک شیفت در روز می‌نمایند.

در نتیجه کارگران کارخانجات قند به جای هفته‌ای ۴۴ ساعت کار، هفته‌ای ۸۴ ساعت کار می‌کنند. در بعضی از قسمتهای کارخانه، به غیر از ایام بهره‌برداری در سایر ایام سال نیز مجبور به اضافه‌کاری هستند. شرایط کار نیز فوق‌العاده غیر انسانی و ناهنجار است. وجود انواع گازهای شیمیایی و

«پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف جمهوری اسلامی امیدهای بسیاری در دل مردم جوانه زد. اولین آرزو رها شدن جوانان از دام مرگ بود و سپس آرزو شدن ارزاق. با حمله عراق به پادگان حمیدیه اهزام جوانان به جبهه دوباره مسئله روز شد. همه ادارات دولتی و بخش خصوصی موظف شدند ظرف سه روز ۲۵ درصد از پرسنل خود را رهسپار جبهه‌های نبرد کنند. در مقابل این اهزام آشکارا مقاومت وجود داشت. توی اداره پست صف طولی که سابقه نداشت دیده می‌شد. جوان مسئول فروش تمبر داد و بیداد می‌کرد. همان روز قرعه‌کشی کرده بودند و فردا قرار بود اهزام شود. یکی از همکارانش می‌خواست راضی‌ش کند که برود و از حکم سرپیچی نکند. ولی او مرتب به جنگ و جنگ‌افروز فحش می‌داد و می‌گفت اگر دست از سرش بردارند استعفا می‌دهد و یا از مملکت فرار می‌کند. مردم هم توی صف با او همدردی میکردند. در اکثر ادارات جمله «منجم، استعفا می‌دهم» بوفور شنیده میشد. در اصفهان،

«... بر اثر عوامل مختلف و در جو فرهنگی تحصیل شده از سوی رژیم بعد از گسترش اعتقاد به خرافه و جن‌گیر و فال‌گیر و دیگر انواع ماورالطبیعه‌گیران، اکنون بازار کلاس‌ها و کتاب‌های عرفانی داغ شده است. در سطح تهران، بیش از ۲۰ محفل عرفانی بطور فعال مشغول کارند. مشتریان اینگونه محافل از معلم و کارمند و دانشجو گرفته تا دکتر و مهندس و دانش‌آموزند. بطور مثال در یکی از این کلاس‌ها شخصی به نام حسن که مهندس متالوژی است، بطور مرتب هفته‌ای ۲ بار جلسه تهذیب شخصیت، شناخت مولانا و عرفان دارد. در این کلاس‌ها همان برنامه مرید و مراد بره است. نامبرده هدف اصلی زندگی را تهذیب اخلاق و

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی، موسوی در نطقی که در ضیافتی به افتخار نخست وزیر مجارستان در تهران ترتیب داده شده بود، این موضع را تکرار کرد. از سوی دیگر، عصمت کتانی

از سرگیری مذاکرات ایران و عراق در ژنو

العرب، عقب نشینی نخواهد کرد. وی گفت تا وقتی این مسئله حل نشده باشد، عراق تن به مذاکره درباره عقب نشینی نیروها به پشت

سفیر عراق در سازمان ملل گفت رژیم بغداد در مورد مسائل مربوط به آزادی کشتی رانی در خلیج فارس و بازگشایی شط

مرزهای شناخته شده بین المللی نخواهد داد. مساله حساس شط العرب، یکی از موضوعات بفرنج مذاکرات ژنو خواهد بود. نشردهای از سابقه تاریخی مساله شط العرب را در همین صفحه می خوانید.

شط العرب (اروند رود)

به طور یکجانبه لغو کرد. دولت ایران اعلام کرد که دیگر کشتی های ایرانی هنگام عبور از شطه پرچم عراق را برنخواهند، افراشت و ماموران کشتی رانی عراق را به کشتی راه نخواهند داد. از آن به بعد، ماهیگیران می بایستی هر بار که از وسط رودخانه رد می شدند، پرچم دیگری در قایق خود به اهتزاز در آورند!



شط العرب، ۳۱ سال پیش

تصرف ابو موسی، تنب بزرگ و تنب کوچک توسط رژیم ایران، روابط دو کشور را تیره تر کرد و به قطع مناسبات دیپلماتیک انجامید. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) در جریان اجلاس سران اوپک در الجزیره، هواری بومدین توانست با میانجی گیری میان شاه و صدام حسین، قراردادی را به امضای دو طرف برساند که ماده دوم آن مقرر می داشت مرز دو کشور "خط القعر" ("تال وگ")، یعنی عمیق ترین نقطه بستر

حاکمیت بر شط، مانع این امر شود. تحت فشار این دو قدرت، ایران و ترکیه در سال ۱۹۱۳ میلادی (۱۲۹۲ شمسی) پروتگلی امضا کردند که برای هر دو طرف، حق کشتی رانی در شطو استفاده از آن برای رسیدن به خلیج فارس را

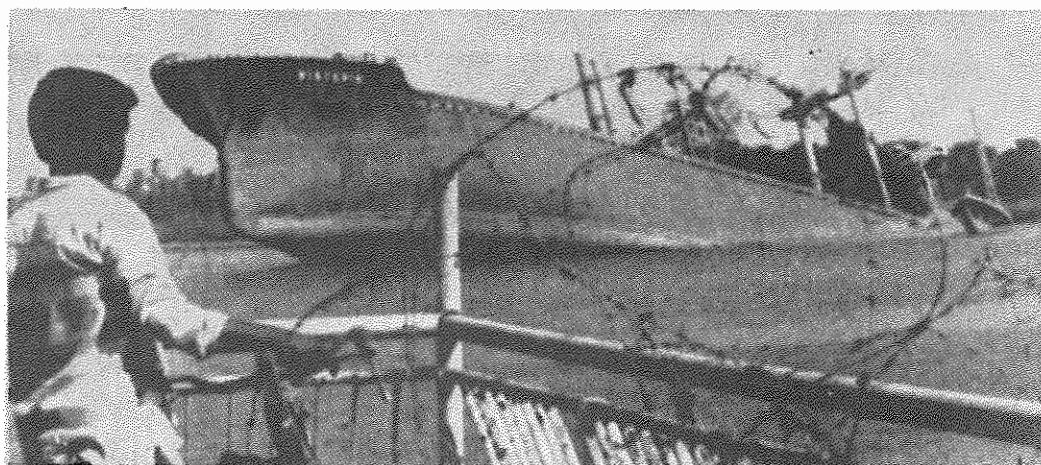
تعداد میان این دو قدرت به این نتیجه انجامید: ساحل شرقی به ایران و ساحل غربی و خود رودخانه به ترکیه تعلق گرفت. دوره تقسیم امپریالیستی جهان، با کشف نفت در منطقه خاور میانه همزمان شد. زوال قدرتهای

شط العرب (اروند رود) به لحاظ جغرافیایی، ادامه رود فرات محسوب می شود. در نقطه ای که امروز، شهر عراقی قرنه قرار دارد، دجله به فرات می ریزد و از آن نقطه به بعد (به طرف جنوب، به طرف خلیج فارس) فرات را شط العرب یا اروندرود می نامند. شط العرب ۱۹۲ کیلومتر طول دارد و بیش از نیمی از این مسافت، در خاک عراق است. عرض این رودخانه، بین ۳۰۰ متر تا یک کیلومتر است. در شط العرب امکان کشتی رانی وجود دارد. از بصره تا خلیج فارس، ۶۳۵ رودخانه کوچک به شط العرب می ریزند. سواحل شط، بسیار حاصلخیز است.

طرف چهار قرن، در منطقه شط العرب ۲۵ جنگ روی داده است. در این رابطه، ۲۰ موافقت نامه منعقد شده و نقض شده اند.

برای نخستین بار، مرز دو طرف در سال ۱۵۵۵ میلادی (۹۳۴ شمسی) بطور کلی از سوی ایران و امپراتوری عثمانی تعیین شد. سپس ایران منطقه شط را تصرف کرد. اندکی بعد، این منطقه به تسخیر عثمانی ها درآمد.

این تعویض مداوم صاحبان منطقه، بارها تکرار شده است. در سال ۱۶۳۹ میلادی (۱۰۱۸ شمسی) میان عثمانی و ایران بار دیگر قرارداد امضا شد که به موجب آن رودخانه به امپراتوری عثمانی تعلق گرفت. چندین جنگ دیگر نیز روی داد. در سالهای ۱۷۲۷ میلادی چند بار دیگر قراردادهایی در این مورد منعقد شد. در سال ۱۸۴۷ میلادی (۱۲۲۶ شمسی) ترکیه، ایران، بریتانیا و روسیه قرارداد امضایی در مورد تقسیم منطقه امضا کردند. بریتانیا در آن زمان رویای تصرف مناطق هر چه بیشتری از عثمانی را در سر می پروراند و روسیه تزاری در صدد چنگ انداختن بر ایران بود.



شط العرب، امروز: یک کشتی به گل نشسته، نشانه ۸ سال جنگ

رودخانه است. در قرارداد الجزیره، مرز تعیین شده به عنوان "خط شه ناپذیر، ابدی و نهایی" اعلام شده است. در این قرارداد مابقی مرز ۱۲۰۰ کیلومتری دو کشور نیز به طور دقیق تعیین شد.

محفوظ می دارد. در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) این تقسیم بندی در یک قرارداد دیگر مورد تایید قرار گرفت. در سال ۱۳۴۸، رژیم شاه قرارداد استفاده مشترک از شط را

منطقه امکانات بیشتری برای استعمارگران فراهم کرد. در آن زمان برای امپریالیستها امر حمل و نقل دریایی نفت حائز اهمیت درجه اول شد. نه بریتانیا و نه روسیه نمی خواستند اختلاف بر سر

آلونک نشینی، حلب آبادها و زورآبادها، کودهای جنوب شهر نیز در شهرهای بزرگ ایران و بویژه شهر تهران، سرشتی همان گونه دارند. اینها را نیز همان هوامل باعث شده‌اند و شرایط زیستی و ساختار "پناهگاهشان" کمابیش تشابهات جدی دارد. تهران بزرگ، تهران همزیستی آلونکها و ویلاهاست. تهران "دو چهره" است.

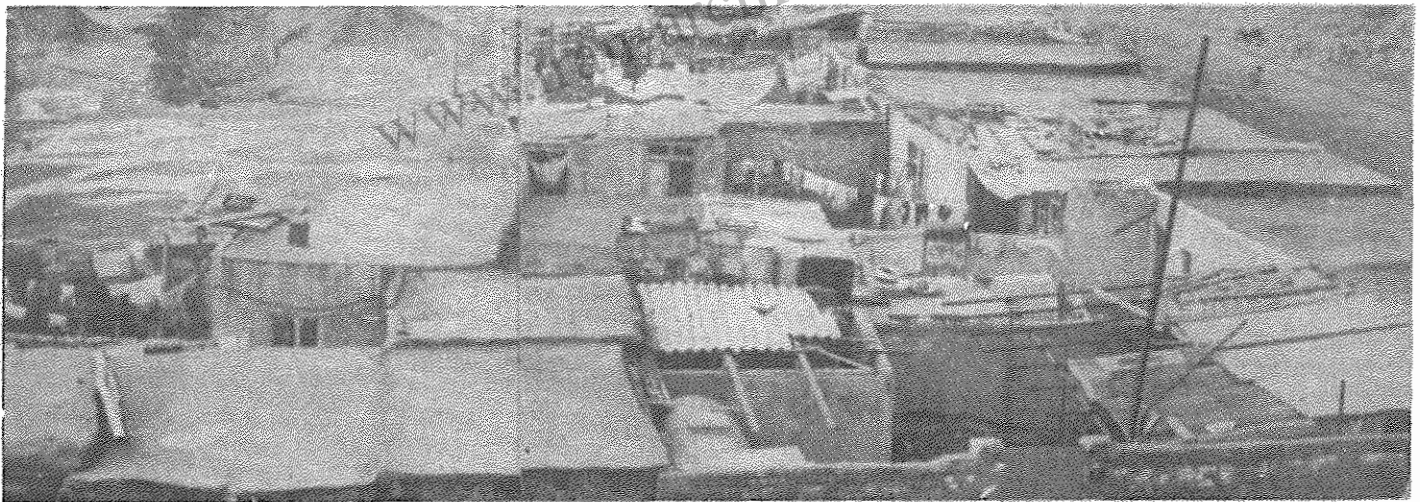
آلونک نشینی در تهران، چهره‌های مختلفی دارد. اساسا پدیده آلونک نشینی دارای سه شکل متفاوت است. "حلب شهرها" و "روستاهای درون شهری" و آلونکها نوع سوم واصطلاحا آلونکهای ثابت. ویژه نامه "سیاسی - اقتصادی" روزنامه اطلاعات، شماره یازدهم، شهریور ماه ۱۳۶۷، گزارشی از نوع ساخت آلونکهای نوع سوم و شیوه زندگی ساکنین آن ارائه کرده است. نشریه "اکثریت" با درج بخشهایی از این گزارش می‌کوشد تا تصویری از زندگی کودکان و آلونک نشینی تهران ارائه دهد:

نگاهی به پدیده آلونک نشینی در تهران آن چهره دیگر تهران

ویرانی و خانه خرابی زندگی رانندگان روستاهاست. تنها در کشور پرو، در عرض ۱۰ سال گذشته، بیش از ۹۰۰ هزار نفر به جمعیت آلونک نشین افزوده شده است و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک ۴۵ درصد کل جمعیت پایتخت پرو را آلونک نشینان تشکیل بدهند.

مردم شیلی، آلونک را بهمان نامی می‌خوانند که قارچ را. و مرادشان از این تشبیه سازی اسمی آنست که آلونکها در شهرهای بزرگ چون قارچ می‌رویند. اما رویش آلونکها، پیش از آنکه محصول جذبه زیستی در شهرهای بزرگ باشد، پیش از آنکه ناشی از اشتغال در واحدهای تولیدی باشد، معلول

جبر اقتصادی و شدائد زندگی باتاثیری مردم افزون، فوج فوج دهقانان خانه خراب و کشاورزان رانده شده از زمین را، به حاشیه شهرهای بزرگ می‌کشد. جمعیت شهرنشین و نسبت آن به ساکنین روستاها، یکی از معیارهای سنجش و قیاس جوامع صنعتی و کشاورزی به حساب می‌آیند؛ اما رشد شتابان شهرنشینی در کشورهای از توسعه بدورمانده، نه به معنای گذار ساختار اقتصادی این کشورها از بافت کشاورزی تولید به تولید صنعتی است، بلکه نشانه درهم ریختگی و سامان گسیختگی اقتصادی این کشورها می‌باشد. اجبار و گریز در ترک خانه و کاشانه، در ترک زمین، در ترک "ریشه‌های خود" در تکه خاکی که از دیر زمان با ساکنینش در آمیخته بود، گرچه شمار شمار اهالی روستاهای درهم شکسته رابه شهرهای بزرگ و به ویژه پایتخت می‌رانند؛ اما آنگاه که "آوارگان" در گوشه و کناری از شهرهای بزرگ، سکنای می‌گزینند، آنان را و سرنوشت آنان را به خودشان وامی‌نهد.



نیز در گوشه حیاط قرارداد و در مواردی از توالت‌های عمومی اجتماعی استفاده می‌شود. چند شاخه سیم لخت که به چراغ کم سو برگرودو غباری منتهی می‌گردد، نوری زرد را بدرون واحدها می‌باشد. سقف‌ها به مدد تیرهای چوبی و بازهم با ملاتی کم مایه و نهایتاً قیرگونی رقیقی، شکل گرفته‌اند و بر بام برخی از واحدها، در و پنجره‌های فرسوده و اشیاء بسیار دیگری برای روز مبادا نگاهداری می‌شوند.

سوم نیز به مسیل‌های اطراف آنها ریخته می‌شود و تنها در یک مورد جوی خیابان بدین امر اختصاص یافته است. آب رودخانه، مسیل و جوی، هر کدام که در دسترس باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و ظرف و لباس و سایر وسایل در آن شسته می‌شوند. مشاغل ساکنین بازهم چون سایر اجتماع‌های آلونکی از جمله مشاغل رده پائین خدماتی در بخش خصوصی و عمومی بحساب می‌آید و صرفا در موارد معدودی تخصص‌هایی در زمینه حمل و نقل و تعمیر وسائط نقلیه بچشم می‌خورد که میزان آن نسبت به اجتماع‌های نوع اول و دوم بیشتر است.

در یکی از این قبیل اجتماع‌های آلونکی یکصد و نه خانوار با جمعیتی قریب

خانه‌های برپا شده بر زمین‌های

مستطیل شکل حداکثر ۷۰ متر مربع و حداقل ۲۰ متر مربع مساحت دارند و عموماً از بلوک‌های سیمانی، آجرهای دست دوم و یا خارج از استاندارد و یا شکسته، درهای فرسوده آهنی که ناشیانه رنگ خورده‌اند و زنگ‌زدگی آن اینجا و آنجا از زیر رنگ بیرون زده است، و پنجره‌های چوبی ناهماهنگ ساخته شده‌اند. بلوک‌های سیمانی و آجرها با ملاتی ناچیز و یا حتی بدون ملاط رویهم چیده شده‌اند. به نحوی که رهگذران ناآشنا را بدین اندیشه فرو می‌برد که مبادا خانه با تکانی اندک از پای بست فرو ریزد. لیکن مقاومت واحدها نسبتاً خوب است و بهر تقدیر شامگاهان در زیر سقف هر واحد تنی چند بی‌محابا سر بر بالین نهاده و دمی آرام می‌گیرند. معمولاً در آهنی کوچک و پله‌ای سیمانی که بر خیابان قرار دارد، ورودی

واحدها را تشکیل می‌دهد. دره‌های حیاط کوچکی که در برخی از موارد سقف آن پالیرانیت پوشیده شده است، بازمی‌شود و واحدها به ۱ یا ۲ اتاق متصل بهم، آشپزخانه و انبار باریک و کوچکی تقسیم شده است. گاه توالت بسیار کوچکی

به ۷۰۰ نفر رحل اقامت افکنده و زندگی می کنند. جالب آنکه اکثر اهالی این اجتماع قوم و خویش یکدیگرند و بیش از ۵۰ خانوار نام فامیل مشترکی دارند و از روستای خاصی به اجتماع آمده و زیست جمعی شهری خود را آغاز کرده اند. از این روی تجانس گروهی بسیار بالایی در بین ساکنین اجتماع آلودگی بچشم می خورد و حرکات و سکنات همه اهالی زیر ذره بین تیزبین سایرین قرار دارد و کوچکترین واقعه ای بزودی توجه همگان را جلب می کند به نحوی که هر رفت و آمد ناآشنایی را فوراً ثبت می کنند و بهم خبر می دهند.

سابقه اجتماع آلودگی مورد بحث به مکانی به نام «کمپ» بازمی گردد که ظاهراً قدیمی ترین اجتماع لوند نشین تهران بوده و در دوران جنگ دوم جهانی بدید آمده است.

اثاثیه خانه در اجتماع های آلودگی نوع سوم معمولاً از یک یاد و فرش ماشینی، چند تکه موکت و حداکثر یک یاد و قالیچه بافت روستا، تلویزیون کوچک سیاه و سفید، گاه یخچال ایرانی کوچک و کهنه و بندرت کولری برفراز بام تشکیل شده است. رادیویی معمولاً جلد شده با پلاستیک و ساعتی زنگ دار نیز در گوشه ای قرار دارند و برداختن به آنها در انحصار رئیس خانواده است. برای مدتها از برق غیرمجاز استفاده می کرده اند و پس از قطع و وصل مکرر صاحب کنتور شده اند. آب را از شیرهای برداشت عمومی تامین می کنند و علاوه بر آن لوله کشی بدیعی از شلنگ های باریک، نوبتی آب شهر را به واحدها می رساند. اکثر اهالی از اطراف شهری در شمال غربی کشور آمده اند و بزبان ترکی سخن می گویند. البته نسل جدید همه زاده اجتماع مورد بحثند زیرا خانوارها اقامتی حداقل ۲۰ ساله در اجتماع داشته اند. همه خانوارها عضو محله محل اقامت به شمار می آیند و از دفترچه بسیج، کارت ارزاق و شیر و سیگار برخوردارند و از نظر اقتصادی کاملاً جذب محله شده اند. اکثر خانوارها تک همسری اند و بنا به تعریف متداول، زوجین با یکدیگر سازگارند. یعنی گرچه گاه رئیس خانوار همسر را کتک نیز می زند، لیکن پس از لختی صلح برقرار می شود و مساله عادی تلقی می شود. بالاخره باید گفت که فاضلاب خانه ها به استثنای توالت های خصوصی به جوی سرازیر می شود.

در اجتماع آلودگی دیگری از نوع سوم ۳۲ خانوار زندگی می کنند که از جنوب شرقی کشور آمده اند. نخست «حلب شهر» کوچکی برپا داشته و سپس با وقوع انقلاب اسلامی واحدها را نظم بخشیده با بلوک سیمانی ساخته اند، و گاه

انها را به شرط نداشتن بچه و نیامدن میهمان و داشتن ضامن معتبر، از ۳۰ تا ۵۰ تومان روزانه به اجاره نیز می دهند. اجتماع در طرح مسیله ها واقع است و همین امر ناآشنایی وضع مسکن را تشدید کرده سبب تحرك مکانی درخور توجهی گردیده است. جالب آنکه تازه واردین که در سالهای ۵۷ به بعد وارد شده اند با خانوارهای نقل مکان کرده و از اجتماع رفته فامیل و هم ولایتی اند. مساحت خانه ها از ۲۱ تا ۴۰ متر مربع است و گاه تا ۲۵۰ هزار تومان خرید و فروش می شود، از ۳۲ خانوار ساکن اجتماع ۵ خانوار تلویزیون دارند و برق را بصورت غیرمجاز تامین کرده اند. از شیرهای برداشت عمومی آب مصرفی را تامین می کنند و در شبکه های حلبی نگاه می دارند. جمعیت اجتماع ۱۷۶ نفر ذکر شده که زنان خانه دار و مردان به سیگار فروشی و جمع آوری نان خشک و فروش نمک اشتغال دارند. چند نفر نیز مسافرکشی کرده و عمر می گذرانند. کودکان و نوجوانانی که به مدرسه رغبتی ندارند، با فروش سیگار مددکار خانواده اند.

بازهم در اجتماع آلودگی دیگری از نوع سوم ۱۰۰ خانوار با جمعیتی حدود ۷۰۰ نفر روزگار می گذرانند که اکثراً از حوالی زنجان آمده اند. کل اجتماع زمینی به مساحت تقریبی ۴۰۰۰ مترمربع را به خود اختصاص داده و همه آلودگی های آن با بلوک های سیمانی ساخته شده است. حدود ۱۰ خانوار درهای آهنی و بقیه درهای چوبی دارند و برخی نیز از اشیاء فرسوده بعنوان دیوار واحد مسکونی استفاده کرده اند. برق بصورت غیرمجاز است و آب از طریق لوله کشی شلنگی بصورتی نوبتی به خانه ها می رسد و در ظرف حلبی نگاهداری می شود. فاضلاب خانه ها به رودخانه ای که از کنار اجتماع می گذرد ریخته می شود. در این اجتماع تجزیه زباله ها رواجی تام و تمام دارد و انبارهای نان خشک نیز بچشم می خورد. چند کارگاه آهنگری نیز در داخل و دروبر آلودگی ها وجود دارد. قدیمی ترین واحد مسکونی اجتماع ۲۰ سال پیش و جدیدترین آنها هشت سال قبل برپا شده است. متوسط درآمد هر خانوار حدود ۴۰۰۰۰ ریال در ماه است. پنج نفر با ماشین شخصی خود مسافرکشی می کنند و ۱۲ وانت بار نیز کار جمع آوری نان خشک و تحویل به دامبروری های اطراف را بعهده دارند. کاغذ و کارتن و پلاستیک نیز جمع آوری و فروخته می شود. برخی از اهالی این اجتماع جزئی کشاورزی در موطن خود دارند که همه ساله آنان را به روستا می کشاند و مدتی نگاه می دارد. اکثراً بیسوادند، همه خانوارها تک همسری بشمار می روند، و مهریه را ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و شیربها را بسته به شرایط، تاسی هزار تومان تعیین می کنند.

خواست مردم ایران و عراق

آزادی فوری همه اسیران جنگی است

بقیه از صفحه آخر

توقف، مذاکرات در سطح وزاری خارجه دو کشور از سر گرفته شود. استرداد فوری اسیران جنگی که بخش مهمی از قربانیان ۸ سال جنگ جنایتکارانه دو رژیم را تشکیل میدهند، امروز بدیگی از خواستهای مردم دو کشور و بویژه خانواده های اسرا تبدیل شده است. جمهوری اسلامی مدعی است که به «ایفاد انسانی مساله مبادله اسرا و ضرورت انجام هر چه سریع تر آن» معتقد است. اما با امتناع از آزادی اسیران جنگی در کنار ادامه مذاکرات صلح، بی توجهی کامل خود را نسبت به سرنوشته آنان نشان میدهد. البته برای رژیمی که صدها هزار نفر را قربانی جنون جنگ طلبی خود کرده زندگی چند ده هزار اسیر

ایرانی و تعدادی به مراتب بیش تر از آن اسیر هراتی چه اهمیتی دارد. بنا به ادعای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی تعداد اسیران هراتی نزدیک به سه برابر اسیران ایرانی است و جمهوری اسلامی میکوشد از این برتری کمی جهت اعمال فشار و کسب امتیاز در مذاکرات با عراق سود جوید. بی آنکه در این میان سرنوشته دردناک سزاران اسیر ایرانی زندانهای عراق اساساً اهمیتی داشته باشد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی تنها حاضر بمبادله «اسرای بیمار و معلول» است. در صورت اجرای همه بندهای طرح چهار ماده ای دبیرکل سازمان ملل نیز بنظر میرسد که حاضر است در برابر هر یک هوایما اسیر ایرانی، یک

هوایما اسیر هراتی را آزاد کند. کویی آنان که باید مبادله شوند نه انسان که کالایی بیش نیستند.

شیوه برخورد رژیم خمینی نسبت به سالده اسیران جنگی نفرت و بیزاری افکار همومی در داخل و خارج از ایران را برمی انگیزد. بی اهتثالی به زندگی اسیران و متعاقب آن سزاران خانوادهای که دیدار عزیزان خود را انتظار می کشند، بار دیگر این واقعیت تلخ را به ثبوت میرساند که سران

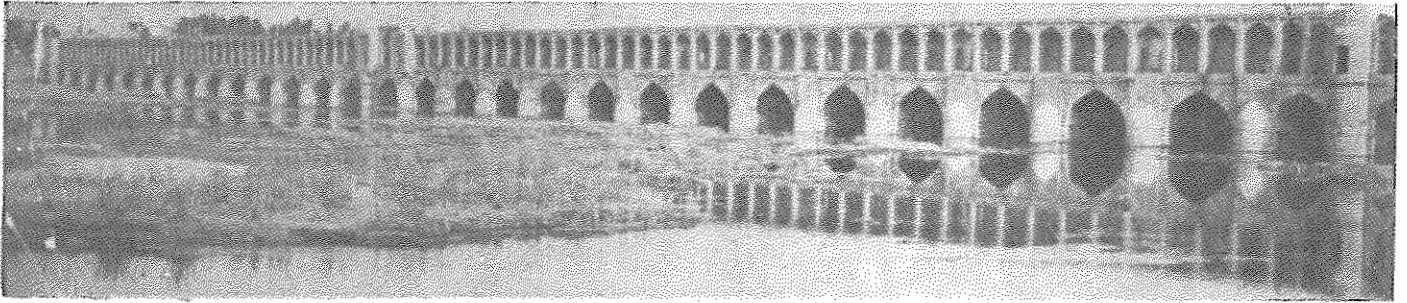
جمهوری اسلامی فقط و فقط به پیشبرد اهداف تبعکارانه خود می اندیشند و از این رهگذر فرزندان مردم ایران را همچنان قربانی بی چون و چرای جنایتکاریهای خود در می خواهند. چهره این سیاست ضد انسانی باید بر همگان روشن شود. جمانیان باید بمبارزه علیه موضع جمهوری اسلامی در قبال اسیران جنگی فراخوانده شوند. اسیران جنگی باید بدون قید و شرط و بیدرنگ آزاد شوند.

کمک های مالی رسیده

آمریکا

۸۴۸ دلار	کردآوری شده در مارس ۸۸ در تگزاس آمریکا
۵۵۵ دلار	کردآوری شده در مه ۸۸ در تگزاس آمریکا
۱۳۹ دلار	برای کمک به واحدهای فدایی در ایران از منطقه جنوب آمریکا
۱۰۰ دلار	در قول به یاد رفیق لطفی از منطقه جنوب آمریکا
۳۷۵ دلار	کمک به خانواده زندانیان سیاسی از تگزاس آمریکا
۲۳۹۵ دلار	برای واحدهای فدائی داخل کشور از لوس آنجلس آمریکا

سی و سه پل در خطر نابودی



ستقهای پایه، نشست کرده است و شکافهای عمیق افقی و عمودی ستف ها و پایه ها - حداقل در ۷ دهانه پل - از ویرانی زودرس پل حکایت می کنند.

دهانه های قسمت شمالی پل مسدود شده و فشار بر روی دهانه های دیگر افزایش یافته است. همچنین ستف بعضی دهانه ها، بر اثر فشار و سنگینی بار ترافیک روی پل نیز فشار و شدت برخورد به اطراف

و آمد وسایل نقلیه بر روی آن در آستانه ویرانی است. با ویرانی سی و سه پل یکی دیگر از آثار تاریخی و سمبل های معماری اصفهان و ایران از دست می رود. به گزارش روزنامه اطلاعات ۲۶ مهر، کلیه

پس از ویرانی پل ماریان بر روی زاینده رود، اینک نوبت سی و سه پل رسیده است. سی و سه پل که به پل اللهوردی خان و سی و سه چشمه نیز شهرت دارد، بر اثر بی توجهی و به دلیل تراکم رفت

شعری از مانی

انگره مینو

و شنبادهای بدوی
از صحرای جمّازه و دوزخ فراتر می رسند.
این بنفشه ها یبند که می خمند
این چشمه ها یبند، به تاریکاندرا این دیاره که می خموشند.
این مردگانند که دیگر بار
زندگان را به فرمان می گیرند.
بهوشا!
ای بهوش!
پیشوایان متعفن
در طشت زرین تن می شویند
و وطن را
تابوتی از خزر تا خلیج اندازه می کنند.
ای که پستان به تنور عزا
و پیشانی تبار به شیشه نسیم می سائید
ای سر نهادگان به ساطور سرنوشت
و دشت را
هرکه برد
هرکه کشت!
مژده
ای مژده!
فلات تاریک را
تنها آواز شما
در سپیده تواند شست
و انگره مینو
از نعره شماست که می میرد
و فرو می افتد!

فراز آمد شب
فراز آمد!
اینک پهلوانان زخمی ایران شهر
در جیریتگا جیرینگ زنجیرها، گرده می چرخانند
و سواران شمشیرهای بغض آلوده را
در سایه می نهانند.
در فلات نفت و مس
انگره مینو
تاچی از خون بر سر نهاده
نه می میرد، نه فرو می افتد!
شب فراز آمدو به هر کمینگاهی
سگان می لایند.

خستگان، باده پنهان را
با جرعه نئی از ماه و ترسن می گسارند.
خنیاکر دل انگیزم!
بیا کوچه ها را با آوازه ایمان پر کنیم.
در فلات دشنه در گلوی تغزل
انگره مینو در قایق فرامینش
تاب می خورد.
نه می میرد، نه فرو می افتد!
دهکده ها فرو می خسپند
در باد های شن خیز
و مرگ می لیسد پیشانی عشق را!
ای هشدار!
از قلعه صدای بریدن سر می آید.
شاید پیغمبر دزدان در بدمستی است.

دو فوریت مشکوک

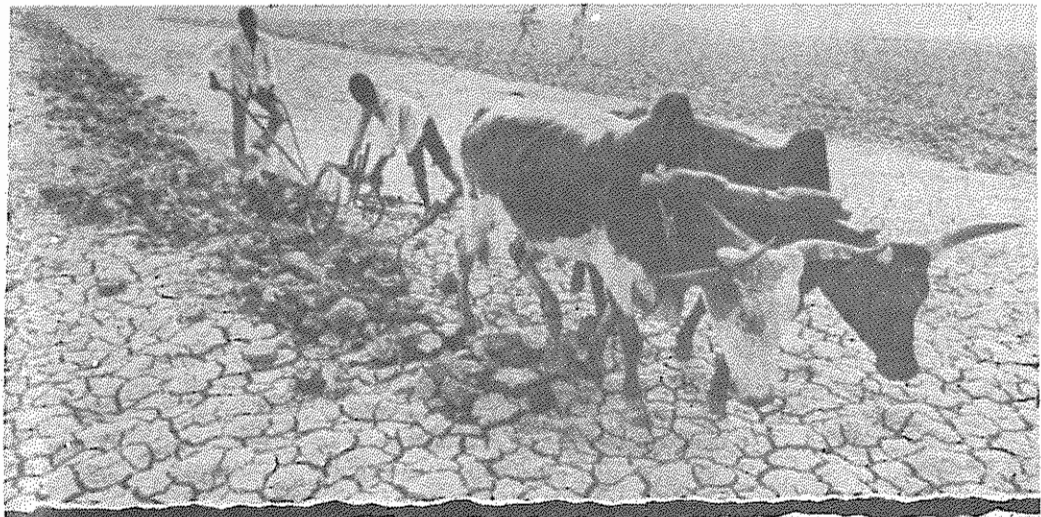
مجلس آخوندی، دو فوریت لایحه اعلام ۱۳ آبان، سالگرد اشغال سفارت آمریکا به عنوان "جشن ملی" را تصویب کرد. این قضیه، به نحو مشکوکی یادآور "دو فوریت" لایحه اعلام قطعی بودن سیاست "جنگ جنگ تا پیروزی" است که چند هفته پیش از اعلام پذیرش آتش بس در مجلس تصویب شد. از آنجا که تجربه ثابت کرده است در مجلس اسلامی هر چیزی که "فوریت" آن تصویب شود، "نوری" تر تق آن درمی آید، بعید نیست بدنبال تصویب "روز ملی" جدید، شاهد پیشرفت های جدی در روابط جمهوری اسلامی و آمریکا باشیم!

در توصیف علمای اسلام

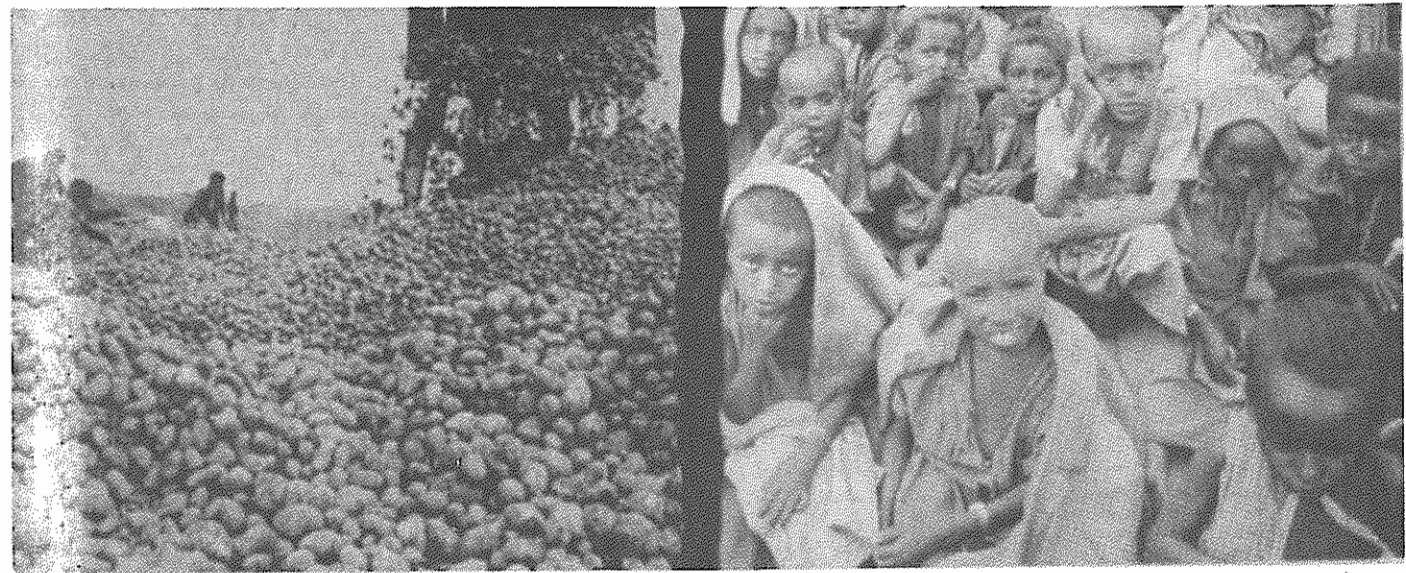
آخوند محمد جواد حجتی کرمانی: "مدرسه فرستادن بچه ها، ابتدا از مردم عادی شروع شد و بعد به متدینین سرایت کرد و کم کم به روحانیون دست پایین و بی نام و نشان و دست آخر به سطح های بالا و بالاتر روحانیت رسید. برق و تلنن و ماشین هم همینطور بود. وقتی همه خانه ها برق کشیدند آخرش نوبت به علما رسید. وقتی نصب تلنن و ماشین سواری همه گیر شد آنوقت نوبت علما و روحانیون رسید."

اطلاعات - ۳۰ مهر

جهان بی عدالتی های فاحش



آنچه در این عکسها می بینید، بیانگر گوشه ای از بی عدالتی های فاحشی است که جهان را به دوپاره (فنی و فقیر یا به تعبیری، شمال و جنوب) تقسیم کرده است. در سودان، مردم از کرسنگی دسته دسته می میرند، و در اروپا، کشورهای پیشرفته سرمایه داری سالانه هزاران تن سیب زمینی را که اضافه تولید بازار مشترک است، نابود می کنند. در یک گوشه جهان، از آخرین رمق گاوهای لافر برای شخم زدن زمین خشکی که امید هیچ برداشتی به آن نیست، بهره میگیرند و در جایی دیگر، سفره هارنگین است و بشقابها پر از مواد غذایی. کدام وجدان بیدار است که از این عکسها به خشم نیاید؟



بقیه از صفحه آخر

به مناسبت هفتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر

اکتبر سرخ و جهان امروز



در دوره کنونی تحول تمدن بشر، همیقا به اهمیت تاریخی آنچه در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه رخ داد، پی می بریم .
در واقع امر مهمترین روندهای اجتماعی و سیاسی قرن ما نیز، همان گونه که قرن نوزدهم تحت تاثیر انقلاب کبیر فرانسه گذشت، مهر زوال نیافتنی تاثیر اکتبر را بر خود دارند .
اکتبر با حرکت در آوردن نیروهای ژرف پیشرفت اجتماعی، موج انقلابی قدرتمندی را ایجاد کرد. در نخستین سالهای پس از انقلاب اکتبر، لنین کاملا بحق این حکم را صادر کرد: «پس از انقلاب پرولتری در روسیه ... اکنون کل جهان، جهانی دیگر شده است، بورژوازی نیز در همه جا یک بورژوازی دیگر شده است»

در هفت دهه ای که از آن هنگام گذشته است، همه اجزای متشکله جهان از اساس متحول شده اند: مبنای مادی، چهره سیاسی و سیمای فکری، امروز اتحاد شوروی، سوسیالیسم و بشریت در کل آن، در برابر مسائل نوینی قرار دارند. امروز جریان مشخص و چشم انداز نو سازی انقلابی جهان را بگونه ای متفاوت از انقلابی نوینی می بینیم که در قیام اکتبر ۱۹۱۷ شرکت کردند. آیا این بدان معنی است که زمانی که ما را از اکتبر جدا می کند، در جهت دیگری جریان دارد؟ بهیچ وجه برعکس: ضرورت پژوهش عمیق تر، تحلیل و گسترش تجارب تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، باز هم مبرم تر و حادث تر شده است .

در واقع، امروز که نو سازی انقلابی جامعه شوروی تحقق می یابد و مبارزه برای صلح و خلع سلاح، به مواضع جدیدی دست می یابد، در برابر اندیشه مارکسیستی، بطور باز هم مبرمتری این وظیفه قرار میگیرد که بدون از دست دادن خط سرخ تداوم انقلابی و باتکیه بر روش آزمون از سر گذرانده دیالکتیک، برای سؤالات بسیاری که زندگی مطرح میکند، پاسخی بیابد و گسترش کیفی و تکامل خلاق میراث تلوریک را تضمین کند، سخنرانی های میخائیل کارباچف در مراسم بزرگداشت هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر و در گردهمایی نمایندگان احزاب و جنبشهای مختلف در نوامبر ۱۹۸۷ در مسکو و نیز موضع گیری های نمایندگان عالی رتبه احزاب و جنبشهای برادری و شخصیت های اجتماعی، ارزیابی از گذشته و درک از مسائل مبرم رابه سطح عالیتری ارتقا داد ...

مبرمیت اندیشه لنینی

نتیجه گیری فوق قبل از هر چیز مربوط به درک **خصیت دوران کنونی** است. آن تکانه ای توفانی که جهان را به دو نظام اجتماعی تقسیم کرد، هلتی برای این حکم بود که دوران کنونی، دوران انقلابات پرولتری، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. در آن هنگام در افکار سیاسی تلوریک ما، تحت تاثیر انقلاب پیروز مند اکتبر و اهتلاقی انقلابی در غرب، اندیشه سریع روند انقلابی پروری سیاره ما، غلبه داشت. در آغاز، برای ضرورت همزیستی مسالمت آمیز چنین استدلال می شد که نیاز به مجال تنفس وجود

دارد و مهم این است که تا پیروزی پرولتاریا در اروپا و در کل جهان دوام آوریم .
اما لنین در همان سال ۱۹۲۰، پس از آنکه انقلاب سوسیالیستی از سخت ترین آزمونها گذشته بود، نوشت: «ما نه صرفا بمجال تنفس، بلکه به چیز بسیار جدی تری نیاز داریم» و ما ... با دوره ای نوین ... مواجهیم» همانگونه که میخائیل کارباچف گفته است، طرح سیاست نوین اقتصادی (نپ) که اندکی بعد از سوی ولادیمیر لنین ارائه شد، «اندیشه لنینی همزیستی مسالمت آمیز (وجودیت مسالمت آمیز در کنار هم)» را که نخست تنها در عرصه سیاسی و حتی صرفا دیپلماتیک بود، وارد عرصه تاوتلیدیهای بنیادین دوران ما کرد.

اما پس از آن، این اندیشه برای مدت معینی بطور همه جانبه مدلل و محقق نشد. هللت این امر هم سوئیت نبود. تاریخ به گونه ای پیش رفت که ما پس از انقلاب، دهها سال در موقعیت محاصره خصمانه و رویارویی حاد دو نظام زندگی میگردیم و جامعه نوین را می ساختیم. عملا کشور میبایست از همه لحاظ به خود متکی میبود. از این رو، حیات خودکفایی، جامعه بسته و برخورد بدبینانه به مابقی جهان که بهیچ وجه «حسن نیت» نداشت، تقویت شد. در دوره پس از آن، در نخستین سالهای پس از جنگ نیز امید به رشد سریع روند انقلابی جهانی بر روی کره زمین، غلبه داشت بعدها، روندهای مشخص تاریخی، این تصورات را تصحیح کرد.

تحت تاثیر کنگره بیستم ح.ک.ا.ش. در سال ۱۹۵۶، بدین روی آوردیم که به همزیستی مسالمت آمیز دو نظام، بعنوان مرحله تکاملی مستقلی در تاریخ بنگریم که در جریان آن، مسابقه اقتصادی نظام ما گسترش می یابد. اما در آن دوره نیز برخورد به این مساله با این امید همراه بود که در مسابقه اقتصادی نظامها، طرف تنمایداد و ده بر سرمایه داری پیشی بگیریم .
روند تاریخی واقعی نشان داد که چنین موضعی، فاقد پایه همیتی بود. سرمایه داری توانست با بهره گیری از انقلاب علمی، فنی، اقتصاد خود را نسبتا به سرعت با شرایط تازه انطباق دهد. علوم اجتماعی شوروی و اتحادیهی نیز عملکرد سیاسی، در ارزیابی از روند واقعی پیرو مغایه می بود که دهها سال پیش شکل گرفته بودند. در تحلیل سرمایه داری معاصر، ماتمنا و تنمائی کوشیدیم دلایلی برای پوسیدگی و فروپاشی اجتناب ناپذیر بباییم .
این جنبه مسئله، مستحق پژوهشهای عمیق است .

اما نباید سایر مسائل اصلی، مانند توان سرمایه داری امروز در دستیابی به مراحل جدید اجتماعی کردن تولید، گسترش حدود رشد نیروهای مولده و انطباق خود با الزامات جهانی دوران ما، در تحلیل همی نادیده گرفته شوند .
نظریه امپریالیسم به مثابه مرحله ویژه ای از جامعه سرمایه داری، پیش از انقلاب اکتبر شکل گرفت. سرمایه داری انحصاری در آن زمان هنوز در آغاز پیدایش خود بود .

قابل درک است که امپریالیسم، نوهی روبنا بر پایه سرمایه داری دوران رقابت آزاد و به مثابه مرحله پایانی کوتاه مدت زودگذر این نظام، قلمداد می شد .

برای کارل مارکس طبیعی بود که سرمایه داری ماقبل انحصاری را شکل طبیعی این شیوه تولید ارزیابی کند. در زمان حیات او، گرایش به انحصاری شدن تولید هنوز اهمیت تعیین کننده نیافته بود. از این رو، آن اشکال مشخص سرمایه داری، سرمایه ارزش اضافی که در روند رقابت آزاد شکل گرفته بودند، در جلد سوم «سرمایه» بعنوان اشکال ذاتی سرمایه داری بطور کلی توصیف شدند. چنین برخوردی، نزد لنین نیز تردیدی بر نیانگیخت. تحلیل او از امپریالیسم، تکمیل تلوری مارکس قلمداد شد. و این امر قابل درک است: سرمایه داری انحصاری تازه ای شکل میگرفت، و سرمایه داری انحصاری دولتی هنوز صرفا یک گرایش شدنیابنده بود .

اما با تاکید بسیار باید خاطر نشان کرد: لنین با تکیه بر داده های دوره به لحاظ تاریخی نسبتا کوتاهی، در همان زمان نشان داد که گذار به امپریالیسم را نباید محدود به سیاست دانست، که آنچه رخ میدهد، دگرگونی همیق مناسبات تولید در سرمایه داری است که توان رشد بالقوه نیروهای مولده و امکانات اجتماعی شدن تولید را گسترش میدهند و در همین حال، تضادهای آتزا باز تولید میکنند و به آن، شکل ویژه ای می بخشند.
لنین بر این نظر بود که گرایش رکود و پوسیدگی در امپریالیسم، دارای حصلت مطلق نیست، بلکه «در برخی شاخه های برخی کشورها مدت های معینی» دست بالا را می گیرد. لنین هشدار می داد: «این خطاست که گمان رود این گرایش به پوسیدگی، رشد سریع سرمایه داری را منعکس می کند.» «و می افزود سرمایه داری در مجموع «بسیار سریع تر از پیش» رشد میکند .

امپریالیسم، تضادهای کمتر تشدید

جستجوی منابع جدید.

آنچه مسائل جهانی را به هم مربوط می‌کند، اندیشه بقای بشریت، آنهم تمام بشریت و نه فقط بخشی از آن است. وجه مشترک دیگر این مسائل نیز این است که بنوعی، در نقطه تقاطع عوامل علمی-فنی، اجتماعی-اقتصادی و معنوی-اخلاقی قرار دارند. به لحاظ فلسفی، پیدایش این مسائل، ثمره پیشی گرفتن ترقی علمی-فنی بر ترقی اجتماعی و اخلاقی است.

و بالاخره آنچه این مسائل را مرتبط می‌سازد، ضرورت حل مشترک آنها با روح تاثیر متقابل است. برخورد این مسائل از مواضع خودخواهانه و تنگ نظرانه ملی یا طبقاتی می‌تواند به بن بست و هواقتب جبران ناپذیر بیانجامد.

همه این مسائل، از نظر نقش آنها در زندگی بشریت، اهمیت همواره فزاینده‌ای دارند. مهمترین و مبرمترین آنها **حفظ صلح و پیشگیری از جنم هسته‌ای** است. اگر بشریت موفق شود این مسئله را حل کند، امکانات جدی برای فلبه بر سایر مسائل و ایجاد جهانی کینیتا دگرگون و بی‌خطر نیز خواهد داشت...

انقلاب اکتبر، همگرایی نوین در مناسبات با کشورهای رشدیابنده به معرض نمایش گذاشت. جمهوری جوان شوروی، به عنوان نمونه در روابط خود با ترکیه، ایران و افغانستان، به این کشورها کمک بلاهوض کرد و در عمل نشان داد چگونه باید روابط مبتنی بر برابر حقوقی را ایجاد کرد. جمهوری شوروی بسیاری از میراث‌های سنگین گذشته را از میان برد.

بدون افتراق می‌توان گفت اندیشه‌ها و همگرایی انقلاب اکتبر، حکم العام برای فروپاشی و انحلال بعدی نظام استعماری را داشتند. این یکی از بزرگترین واقعیات عصر ماست که بیش از حد کشور مستقل شده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بر صحنه بین‌المللی ظاهر شده‌اند. این یک جهان بسیار متنوع با کشورهای دارای راه‌های رشد و شیوه‌های زندگی نابرابر است.

در این جهان، دولت‌هایی شکل گرفته‌اند که سوسیالیسم را به عنوان هدف خود برگزیده‌اند.

این امر، گواهی بر درستی این پیش‌بینی لنین است که رشد غیرسرمایه‌داری کشورهای ره‌اشده از امپریالیسم، امکان‌پذیر است. اما خطاست اگر این راه را پیشروی بی‌خنده‌های قلمداد کنیم، دشواری‌های عینی و ذهنی را ببینیم و تاکتیک خرابکاری مکارانه امپریالیسم را نادیده بگیریم. دولت‌هایی سمت‌گیری سوسیالیستی را برگزیده‌اند که در شمار رشد نیافته‌ترین کشورها بوده‌اند، کشورهای که در آنها هم‌لا سرمایه‌داری "خودی" وجود نداشته است. در واقع، این امر جدایی آنها از نظام سرمایه‌داری را تسهیل کرد، اما در همین حال ادامه حرکت به جلو را با دشواری بیشتری روبرو ساخت. پذیرفتنی است که پیشرفت کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی به میزان قاطعی هم با تلاش‌های خود آنها و هم با چشم‌انداز یک پیشروی سریع کلی برای سوسیالیسم جهانی در پیوند است.

اکثر کشورهای نواستقلال در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری ادغام شده‌اند. اما این کشورها نیز در موقعیت یکسانی نیستند. برخی از آنها در

بقیه در صفحه ۱۴

و نیز نواستعمار، که بخش بزرگی از بشریت را از هر چشم‌اندازی محروم میکند و آستن انفجاری جهانی است، نیروی مخرب سمگینی در خود انباشته‌اند.

این وجوه منفی جامعه بورژوایی اواخر قرن بیستم را نمی‌توان نادیده گرفت. اما در این جامعه، نیروی معین حیات را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. امروز دلایل کافی برای این فرض وجود دارد که جایگزینی قانونمند صورت‌تندیهای اقتصادی-اجتماعی، در چارچوب تاریخی گسترده تر از آنچه تاکنون تصور می‌رفت، همراه با تنوع قابل توجه اشکال گذار، صورت خواهد گرفت. بر این اساس می‌توان چشم‌انداز **همزیستی و تاثیر متقابل طولانی مدت دو نظام اجتماعی و اقتصادی شان در برابر هم قرار می‌گیرند**، نتیجه گرفت.

اما سخن تنها بر سر حدود زمانی همزیستی سوسیالیسم و سرمایه‌داری نیست. برداشت ما از خصلت واقعی و اشکال همزیستی نیز نیازمند تجدید نظر است. تصور حرکت دو نظام به گونه‌ای که گویا روی دو مسیر موازی حرکت می‌کنند، یک توهم است. وابستگی متقابل جهان، به گونه‌ای است که این دو "موازی" بناچار یکدیگر را قطع خواهند کرد، که دو نظام و کشورهای وابسته به آنها در چارچوب تحول جهانی، همکاری تنگاتنگی خواهند داشت. این روند در واقع از هم‌اکنون آغاز شده است.

این وظیفه نظری و عملی فوق‌العاده پیچیده در پیشرو قرار می‌گیرد که آنچنان اشکالی از تاثیر متقابل سوسیالیسم و مابقی جهان یافته شوند که به سوسیالیسم امکان دهند هر چه فعال تر در تقسیم کار بین‌المللی شرکت کنند و در همین حال "ذات" سوسیالیستی خود را حفظ کنند. از جامعه جهانی انزوای خود، همیقا و آرد آن شود و از طریق حضور، اقدامات و مشارکت واقعی خود، بر حل مسائل حاد بشریت تاثیر گذارد.

... بطور کاملاً کلی می‌توان گفت پیشرفت علمی و فنی و اجتماعی اینک تحت شرایط همزیستی دو نظام اجتماعی گسترش می‌یابند. در جریان همزیستی دو نظام، مسابته این دو، پیوند هر چه تنگاتنگ‌تری با تاثیرگذاری و نفوذ متقابل می‌یابد. این روندی است که از طریق نوسازی سوسیالیسم، از طریق مبارزه طبقه کارگر و زحمتشان در خود نظام سرمایه‌داری، از طریق حل حادترین مسائل کشورهای رشدیابنده، از طریق حل مسائل جهانی و قبل از هر چیز از طریق دفع نامشروط خطر جنگ هسته‌ای و ایجاد جهانی بدون سلاح‌های هسته‌ای و نهر، جریان دارد...

مسائل جهانی،

بر خوردی نوین رومی طلبند
در دهه‌های اخیر، در سیاست جهانی اصطلاح "مسائل جهانی" جایگاه مستحکمی یافته است. این، گواهی وابستگی متقابل جهان امروز است. این مسائل، خصلت‌های متفاوتی دارند: از خطر خودنابودی هسته‌ای گرفته تا خطر فاجعه اکولوژیک، از فلبه بر فاصله فزاینده میان ملل "فنی" و "فقیر" گرفته تا چشم‌انداز پایان رسیدن منابع سنتی انرژی و ضرورت

وتضادهای جدیدی ایجاد کرده است. امپریالیسم، بشریت را به دو کشتار جهانی کشاند که مبنای تمدن جهانی بشر را تکان دادند. با این حال نظام سرمایه‌داری موفق شد خود را با شرایط جدید انطباق دهد. این نظام، همیرقم شکل‌گیری نظام سوسیالیستی، باقی ماند.

نظام سرمایه‌داری به اندازه کافی وسایل و منابعی یافت تا بتواند انقلاب علمی-فنی را تعمیق بخشد. این نظام از رشد اقتصادی برای کند کردن مبارزه طبقاتی و گسترش میدان برای مانورهای اجتماعی بهره گرفت.

سرمایه‌داری انحصاری دولتی توانسته است در راه بین‌المللی کردن تولید اجتماعی و ادغام اقتصادی، پیش رود. برای نخستین بار، مکانیزم‌های فراملیتی برای کنترل تضادهای سیاسی و اقتصادی ایجاد شده‌اند. بعلت وجود این مکانیزم‌ها، همیرقم اختلالات موقتی، موقعیتهای خطرناک پیش‌نی‌آید.

در گذر ۲۷ ح.ک. ۱۰۰ ش. در سال ۱۹۸۶، خاطر نشان شد که سرمایه‌داری دهه هشتاد، نه تنها از سرمایه‌داری آغاز قرن و نیز دهه‌های پنجاه تا شصت، بلکه حتی از سرمایه‌داری سالهای هفتاد نیز متمایز است. اکنون سرمایه‌داری انحصاری به صدسالگی نزدیک میشود. ارزیابی آن بعنوان شکل بنوعی اصلاح شده سرمایه‌داری کلاسیک قرن نوزدهم، بطور فزاینده‌ای در تضاد با واقعیت قرار می‌گیرد. این سؤال پیش می‌آید: آیا این دوران رقابت آزاد نیست که مقدمه سرمایه‌داری انحصاری را تشکیل میدهد و ایاسرمایه‌داری انحصاری، شکل ذاتی شیوه تولید سرمایه‌داری نیست؟

البته این یک فرضیه است که باید بررسی شود. اما حکم نهایی را خود زندگی خواهد داد. اما دلایل بسیاری برای این حکم وجود دارد، از جمله این واقعیت که سرمایه‌داری ما قبل انحصاری، که از انقلاب صنعتی سر برآورد، در انگلیس تنها یک قرن و در کشورهای دیگر حتی کمتر از این - چنددهه - وجود داشت. این واقعیت که دقیقاً هنگام گذار به امپریالیسم، روند شکل‌گیری نظام جهانی سرمایه‌داری به پایان می‌رسد و فیره با چنین برداشتی، اهمیت تئوری سرمایه‌داری انحصاری لنین به مثابه مهمترین بخش ارگانیک تئوری علمی شیوه تولید سرمایه‌داری، باز هم روشن تر می‌شود.

بدیعی است که نباید از توان سرمایه‌داری در انطباق خود با شرایط جدید، این نتیجه را گرفت که طبیعت آنتاگونیستی سرمایه‌داری تغییر کرده است. برعکس: هیچ چیز قادر نیست تغییر اصلی جامعه بورژوایی ماهیت ضدبشری، رقابت سخت، خصلت دوره‌ای رشد سرمایه‌داری - را بپوشاند. سرمایه‌داری موفق نشده است تضاد میان مالکین و مزدبگیران، استثمارگران و استثمارشدگان را محو کند، فقر را از میان بردارد، به همه کسانی که قادر به کارند کار بدهد و تضمین‌ها و امکانات اجتماعی رشد فکری را برای آنها فراهم آورد. در کنار تضادهای کمنه سرمایه‌داری، پیوسته تضادهای جدیدی رخ می‌نمایند. میلیتاریسم، تخریب فرهنگ و اخلاق

به مناسبت هفتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر

اکتبر سرخ
و
جهان امروز

بقیه از صفحه ۱۳

زمره کشورهای پیشرفته صنعتی درمی آیند. برخی از کشورها، تا آنجا که به نتایج مربوط می شود، راه غیرقابل پیش بینی و ناروشن اوج گیری بنیادگرایی مذهبی را در پیش گرفته اند. و بالاخره کشورهای نیز وجود دارند که در واقع هنوز از مرحله مناسبات پدرسالاری قبيله‌ای فراتر نرفته اند...

فاصله میان "شمال" پیشرفته سرمایه داری و "جنوب" در حال رشد، رو به افزایش است.

رشد نیافتگی، تبدیل به مسئله تمام بشریت شده است. بدون حل آن، بدون محو گرسنگی، فقر، بیماری ها و بی سوادی صدها میلیون انسان، تا همین آینده ای مطمئن برای بشریت ناممکن است.

در برابر متفکران مارکسیست و نیز متفکران مترقی و خلاق کشورهای رشد یافته و کشورهای صنعتی سرمایه داری این وظیفه قرار می گیرد که راههای واقعی ایجاد یک نظام اقتصادی بین المللی نوین را ترسیم کنند.

نکته اصلی، برخورد فعال و یکپارچه کردن تلاشهای همه کشورهای رشد یافته، جهان سوسیالیسم و همه نیروهای ترقی خواه جهان کنونی در مبارزه برای یک نظام اقتصادی نوین بین المللی و امنیت اقتصادی است.

خصلت جهانی مسائلی که امروز در برابر جهان قرار گرفته است، مستلزم برخورد نوینی به **عامل معنوی اخلاقی** در امور بین المللی و در زندگی جامعه جهانی به مثابه یک کل نیز هست. کارل مارکس در همان زمان خود خواهان آن شد که "قوانین ساده اخلاق و حقوق که باید مناسبات میان اشخاص را تنظیم کنند، به عنوان عالی ترین قوانین رابطه ملل اعتبار یابند." با اینکه انشقاق اجتماعی جهان به قوت خود باقی است، امروز بقای نه فقط یک طبقه جداگانه، نه فقط یک خلق، بلکه بقای کل بشریت، هلیرفم هرگونه منافع خود خواهانه ای، ضرورت پیروی از "قوانین اخلاق و حقوق" را که تمام بشریند، الزامی می کند.

اعتماد، رعایت صادقانه و اکید توافق ها، رد اعمال قهر علیه هر خلق، احترام به فردیت هر ملت و هر انسان، امروز به اصل لازم الاجرایی در مناسبات بین المللی تبدیل می شوند. و این بسیار مهم است که دقیقاً سوسیالیسم در این رابطه خود را پیشگام نشان دهد و سرمشق باشد.

به دوش گرفتن بار تصمیمات بی نظیر
و اقدامات مسئولانه

هلیرفم این همه پیچیدگی اوضاعی که

بشریت در آستانه آغاز هزاره جدید با آن روبرو است، امکان واقعی قلبه بر دشواریهای موجود، حفظ تمدن و ارتقای آن به سطح کیفیتهای عالی تری، وجود دارد. اما حل موفقیت آمیز این وظیفه تاریخی به عامل ذهنی بستگی خواهد داشت، به اینکه نیروهای اجتماعی ای خواهند بود که آماده و قادر باشند بار تصمیمات بی نظیر و اقدامات بسیار مسئولانه را به دوش بگیرند.

بنیانگذاران مارکسیسم در تحلیل شرایط و چشم اندازهای رشد اجتماعی، نشان دادند که کدام طبقه یا قشر اجتماعی می تواند نقش موتور تاریخ را در هر دوره ایفا کند. اندیشه راهنمای کل تئوری کمونیسم علمی، نقش انقلابی پرولتاریاست که رسالت دارد وظایف پیشاهنگ را در مبارزه برای تحقق سوسیالیسم ایفا کند.

دهها سال است که در این باره مجادله می شود که آیا طبقه کارگر معاصر، پتانسیل انقلابی خود را حفظ می کند یا نه. مدهای می گویند در کشورهای صنعتی سرمایه داری، این طبقه به میزان زیادی بورژوازی شده و در اقطار میانی مستحیل گردیده و از این رو، نقش "آشوبگر" و منادی تحولات انقلابی، به روشنفکران و جوانان محول شده است. برخی دیگر نیز بر این نظرند که به علت انقلاب علمی - فنی، کلا طبقه کارگر از صحنه تاریخ کنار می رود زیرا وظایف ایجاد و کنترل سیستم های جدید ماشینی توسط "طبقه سفیدها" انجام می گیرد.

بدون اینکه در اینجا درگیر بحثهایی درباره این مسائل شویم، تنها تأکید می کنیم که تلاش برای نفی اندیشه اصلی مارکسیسم اندیشه تضاد اساسی میان کار و سرمایه - محکوم به شکست است. هر تحولی هم که در رابطه بار شدنیروهای مولده در هر صده اجتماعی رخ دهد، هیچ کس هرگز نخواهد توانست میان صاحبان وسایل تولید و مزدبگیران هلاکت تساوی بگذارد. این حکم نیز که مبارزه برای رهایی کار از استثمار و برای تحقق عدالت اجتماعی اجتناب ناپذیر است، به قوت خود باقی خواهد ماند.

طبقه کارگر کماکان نیروی اصلی تحول اجتماعی است. در همین حال ابعاد، چارچوب و - مهمتر از همه - خصلت جهانی بسیاری از جوانب تعیین کننده رشد اجتماعی کنونی، مستلزم گسترش اساسی ترکیب آن نیروهایی است که می تواند و باید در تحقق وظایف تاریخی مبرم، شرکت کنند.

... در دوران ما، جنبشهای اجتماعی هر چه کمتر به طور خودبخودی و به طور فزاینده ای به طور سازمان یافته عمل می کنند. اهمیت درجه اول همکاری جریانات سیاسی نماینده آنها از این ناشی می شود.

بدون تردید می توان گفت: اگر در گذشته گاه برخوردهای فرقه گرایانه پیش می آمد، اکنون دیگر بازگشت به بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم هر چه کمتر دیده می شود. آنچه بیشتر مبرم است، نزد برخی محافل سوسیال دمکرات قلبه بر آن چیزی است که می توان بطور قرینه آن را بیماری "گرایش به راست" نامید: بی میلی به همکاری سازنده با نیروهای کمونیست در مسائل معاصر زندگی ملی

و بین المللی.

در رشد جنبش بین المللی کارگری، در واقع شرایط برای هموار شدن تدریجی راه گفتگو و همکاری میان کمونیستها و دمکراتها فراهم می آید، بطوریکه هر یک از این دو جریان سیاسی استقلال و هویت خود را حفظ کنند. از جمله فرصتهای مهمی که در آن چنین کار مشترکی کاملاً ممکن و ضروری است، مبارزندان تحلیل تئوریک واقعیت، پیش بینی راههای ممکن تحول و جلب توجه افکار عمومی گسترده بین المللی به مسائل حاد.

البته اختلافات در جهان بینی باقی می ماند در باره این اختلافات نمی توان سکوت کرد. این اختلافات، حدود معینی برای امکانات همکاری ایجاد می کنند. اما سخن بر سر اقدامات مشترک در هر صدهایی است که در آن اشتراک نظر وجود دارد. شمار چنین مسائلی اکنون بسیار بیشتر شده است. هر صده اشتراکات بسیار گسترده تر از آن است که در گذشته تصور می شد...

جنبش کمونیستی سهم عظیم و بی مانندی در رشد مترقی جهان ادا کرده است. این جنبش، توان حیات خود را نشان داده و امروز، عنصری مستقل و حذف نشدنی در سیاست جهان است. این جنبش در انطباق با ضروریات عینی رشد اجتماعی است. اما جنبش کمونیستی مانند هر ارکانیسم زنده نیازمند نوسازی است. این ضرورت، اکنون، در نقطه عطف پیشرفت جهانی، به روشنی ویژه ای رخ می نماید.

ح. ک. ا. ش. به مثابه جزئی لاینفک جنبش بین المللی کمونیستی می گویند نقش و جایگاه این جنبش را در جهان به سرعت متحول امروزین دریابد. در این تلاش، با سایر احزاب برادر همراه است. قبل از هر چیز، باید برنامه ها، شیوه های کار و شعارها را در انطباق با واقعیات پایان قرن بیستم در آورد، از خصلت و راههای رشد سوسیالیسم امروز، روندهای اقتصادی و اجتماعی در جهان سوم و یا بهای اکلوزیک پیشرفت اجتماعی جستجوی تلفیق ارگانیک وظایف سنتی طبقاتی و ملی با وظایف تمام بشری و بین المللی، جریان دارد.

اگر نه بطور هلنی و نه در مطبوعات، لااقل در دیدارها و گفتگوهای رفیقانه میان کمونیستها، مسئله همکاری معینی در روابط نتیجه نقض اصول و روابط متقابل احزاب در گذشته بود. اکنون این همه متعلق به گذشته است. و به نظر ما، هیچ چیز نباید کمونیستها را از تبادل تجارب کار، همکاری نزدیک تر در بررسی مسائل حاد سیاست کنونی و پیشبرد تئوری سوسیالیسم علمی با نیروی متحد، باز دارد...

::: :::

بشریت در یک مرحله دگرگونی قرار دارد. اینکه بشریت بتواند از مقطع پر مسئولیت کنونی تاریخ خود سربلند بیرون بیاید، به میزان زیادی وابسته به اقدامات مشترک همه نیروهای چپ و صلحدوست است. ح. ک. ا. ش. بر این نظر است که در این رابطه، نقش عظیمی برعهده سوسیالیسم و توان آن در تحقق کامل توانهای بالقوه خود و دستیابی به مراحل عالی تر، خواهد بود. کمونیستهای شوروی و فاداری به سن انقلاب اکتبر و مسئولیت خود در قبال نسل کنونی و نسل های آتی را در نیل به این اهداف می دانند.

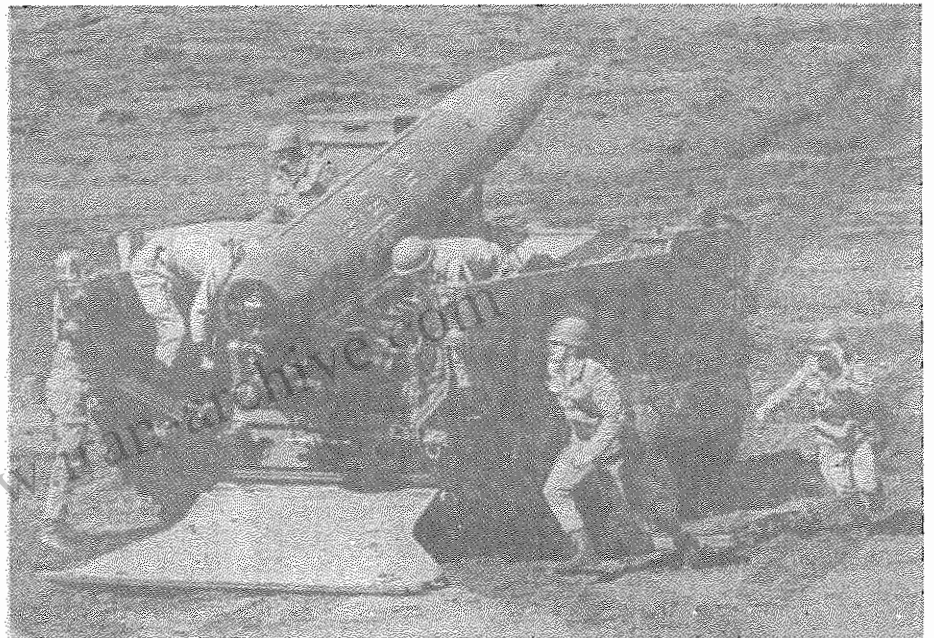
شکست اجلاس وزرای دفاع ناتو

وزرای دفاع کشورهای عضو پیمان ناتو در اجلاس پائیزی خود نتوانسته‌اند در مدرنیزه کردن موشک‌های هسته‌ای برد کوتاه خود در اروپا به توافق برسند. در این اجلاس که در لاهه برگزار شده آمریکا و انگلیس بر سایر متحدان خود فشار آوردند تا با مدرنیزه کردن این سلاح‌ها موافقت کنند. اما به علت مقاومت آلمان فدرال، ایتالیا و بلژیک، در این مورد توافقی حاصل نشد.

در صورت تحقق نقشه‌های آمریکا و انگلیس، عملاً قرارداد دو جانبه اتحاد شوروی و ایالات متحده برای برچیدن موشک‌های برد متوسط از اروپا نقض خواهد شد. این نقشه‌ها شامل مجهز کردن جنگنده بمب افکن‌های ناتو به موشک‌های

جدیدی است که تا فاصله ۴۵۰ کیلومتری قادرند هدف خود را بطور خودکار بیابند. بدین ترتیب، نیروهای هوایی ناتو هملاصاحب موشک میان برد جدیدی خواهند شد. بخش دیگر برنامه تسلیحاتی پیشنهادی کارلوسی وزیر دفاع آمریکا، جایگزین کردن موشک‌های جدید به جای موشک‌های "لانس" است. بر داین موشک‌ها ۱۱۰ کیلو متر است، در حالیکه میدان عمل موشک‌های جدید اندکی کمتر از ۵۰ کیلومتر خواهد بود.

ناظران پیش‌بینی می‌کنند در صورت تصویب این نقشه‌ها، اجرای آن با مقاومت گسترده مردم اروپای غربی مواجه خواهد شد.



نمونه از موشک کوتاه برد "لانس" که آمریکایی خواهد مدرنیزه کند

لهستان: تعویق مذاکرات دولت و اپوزیسیون

می‌خواهد تقصیر به تعویق افتادن آغاز مذاکرات را به گردن دولت بیندازد. وی اظهار داشت برای دولت لهستان نشستن پشت میز مذاکره با کسانی مانند میشلینک و کورون که هدف ثبات‌زدایی کشور را دنبال می‌کنند، امکان‌ناپذیر است.

از سوی دیگر لخ والنسا چهره اصلی "همبستگی" که پیشنهاد گفتگوهای تدارکاتی با وزیر کشور لهستان را رد کرده است، گفت ترکیب هیات نمایندگی "همبستگی" را تغییر نخواهد داد.

به گزارش خبرگزاری لهستان، وزیر کشور دولت جدید از مدیریت معاون منطقه "سلزی هلیا" خواسته است. عد کارگر را که به علت اعتصاب تابستان امسال اخراج شده‌اند به سر کار بازگرداند. وی همچنین از دادستانی خواستار توقف دعاوی علیه رهبران اعتصاب شده است.

آغاز مذاکرات میان دولت جدید راکتسی نخست‌وزیر لهستان و اپوزیسیون این کشور، به تعویق افتاد. ژرزی اوربان سخنگوی دولت لهستان، هلت این امر را خودداری رهبران اتحادیه "همبستگی" از شرکت در گفتگوهای تدارکاتی و پافشاری آنها بر حضور آدام میشلینک و یاچک کورون در هیات نمایندگی این اتحادیه اعلام کرد. دولت لهستان اعلام کرده است میشلینک و کورون را عناصر ضد سوسیالیست می‌داند و با آنها مذاکره نخواهد کرد.

سخنگوی دولت لهستان، موقعیت ایجاد شده را تاسف‌آور خواند و افزود موضع دولت، این است که باید بدون احتراز از پرداختن به موضوع معینی، در پشت میز مذاکره نشست، اما فعالین اتحادیه "همبستگی" از شرکت در گفتگوها طفره می‌روند. اوربان گفت "همبستگی"

بمباران مجدد لبنان توسط اسرائیل

چهارشنبه هفته گذشته، نیروی هوایی اسرائیل بار دیگر منطقه بیروت و صیدا را در لبنان بمباران کرد. این بمباران چنایتکارانه، به کشته شدن حداقل ۲۰ تن و مجروح گشتن ۴۵ تن انجامید. به گزارش شاهدان معینی، دو روستای بمباران شده در نزدیکی صیدا آتقدر ویران شده‌اند که به نظر می‌آید در آنجا زلزله‌ای روی داده است. چند ساعت پس از بمباران صیدا، پنج کیلومتری جنوب بیروت نیز توسط هواپیماهای اسرائیلی بمباران شد.

انتخابات پارلمانی اسرائیل

روز سه‌شنبه اول نوامبر، انتخابات پارلمانی اسرائیل برگزار میشود. این انتخابات، ترکیب دولت آینده را مشخص خواهد کرد. دولت کنونی اسرائیل، از ائتلاف بلوک راستگرای "لیکود" و حزب کارگر به رهبری شیمون پرز تشکیل شده است. پس از انتخابات ۱۹۸۴، به مدت ۲ سال شیمون پرز نخست‌وزیر بود و سپس برای دو سال دیگر جای خود را به اسحاق شامیر رهبر "لیکود" داد. شامیر اعلام کرده است نتیجه انتخابات هر چه باشد، دیگر با حزب کارگر ائتلاف نخواهد کرد.

در آستانه انتخابات، ارتش اسرائیل چهار روزنامه‌نگار و فعال سندیکایی فلسطینی را در بیت‌المقدس و کرانه غربی رود اردن دستگیر کرد. یکی از بازداشت شدگان، رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران فلسطینی است.

از سوی دیگر، بدنبال ملاقات ملک حسین پادشاه اردن، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر و یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در امان پایتخت اردن، وزیر خارجه مصر اظهار داشت اردن و ساف در مورد تشکیل کنفدراسیون دولتی اردنی - فلسطینی پس از تخلیه کرانه غربی رود اردن توسط اسرائیل به توافق اصولی دست یافته‌اند. مبارک و عرفات پس از اردن به بغداد رفته با صدم حسین نیز مذاکره کردند.

از میان دیگر رویدادها

میخائیل گارباچف رهبر شوروی در مذاکرات با هلموت کول صدراعظم آلمان فدرال در مسکو اعلام کرد اتحاد شوروی تا پایان سال جاری همه کسانی را که در قرب تحت عنوان زندانی سیاسی شناخته شده‌اند و هم‌اکنون در زندانهای شوروی به سر می‌برند، آزاد خواهد کرد.

انتخابات شهرداری‌ها در آفریقای جنوبی با تحریم موفقیت‌آمیز اکثریت سیاهپوست مردم این کشور روبرو شد. به گزارش ناظران، کمتر از ۱۰ درصد مردم سیاهپوست در رای‌گیری شرکت کردند. در میان سفیدپوستان، حزب فاشیستی "محافظه‌کار" توانست بر آرای خود بیافزاید.

آندره ساخاروف دانشمند فیزیک به عنوان هیات‌رئیس آکادمی علوم اتحاد شوروی برگزیده شد.

به مناسبت هفتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکتر



اکتبر سرخ و جهان امروز

مسکو، وادیم مدو دیف دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش) که در پلنوم کمیته مرکزی، بعنوان عضو دفتر سیاسی برگزیده شد، طی سخنانی به تشریح اصلی ترین رئوس مسائل پیشرفت اجتماعی در جهان کنونی پرداخت. بر اساس این سخنرانی، بعد از شماره ۲ سال ۱۹۸۸ نشریه "کمونیست" ارگان تئوریک ح. ک. ا. ش، مقاله‌ای با عنوان فوق منتشر شد که ما نشردهای از آن را از ماهنامه "سوسیالیسم" تئوروی و پراتیک شماره های ۸ و ۹ سال ۱۹۸۸ بر گرفته ایم.

هفتاد و یکمین سالگرد
اکتبر سرخ فرا میرسد. انقلاب اکتر، هفتاد و یک سال پیش جهان را وارد دوران نوینی کرد. تاثیر نیرومند، این انقلاب پس از گذشت هفتاد دهه، هنوز برای پیشرفت اجتماعی در مقیاس جهانی، نقشی قاطع ایفا می کند. جهان امروز، هفتاد سال پس از روزی که فرش رعد آسی توپهای رزمنان "ورورا" تولد نظام اجتماعی نوینی را داد، در برابر چه مسائلی قرار گرفته است و راه تکامل و پیشرفت بشر، از حل کدام تضادها میگذرد؟ در دسامبر ۱۹۸۷، در جریان یک کنفرانس علمی در

آدم ربائی جمهوری اسلامی در ترکیه

گسترده‌ای را برانگیخت. ۸۲ عضو پارلمان اروپا از جمله رئیس فراکسیون کمونیست‌ها ضمن پیامی برای دولت ترکیه خواهان حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی در خاک این کشور و مقابله با تروریسم صادراتی جمهوری اسلامی شدند.

آدم ربائی عوامل خمینی در ترکیه یکبار دیگر ضرورت یکپارچه شدن صفوف پناهندگان سیاسی و نیروهای ترقیخواه ایرانی در خارج از کشور در دفاع از هموطنان مان در ترکیه را یادآوری کند.

به گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران، عوامل جمهوری اسلامی در ترکیه که با پوشش "دیپلمات" در این کشور حضور دارند، دست به یک اقدام تروریستی جدید زده و دو مجاهد را ربودند. این دو مجاهد بعداً توانستند از چنگ آدم ربایان بگریزند.

اقدام تروریستی جدید "دیپلمات" های جمهوری اسلامی در ترکیه، بار دیگر چهره کریه رژیم خمینی را در مقیاس جهانی به نمایش گذاشت. این "شاهکار"، اعتراض محافل

خواست مردم ایران و عراق

آزادی فوری همه اسیران جنگی



عراق در راه اجرای کامل طرح دبیرکل سازمان ملل، موضع جدید آن در قبال مبادله اسرا را حرکتی در راستای "تخفیف فشارهای مردمی"، "انزجار از فشار افکار عمومی" و "نریب مردم" عراق ارزیابی می کند.

از روز ۲۰ اوت - روز برقراری آتش بس - تاکنون، روندهای حاکم بر مذاکرات صلح حاکی از کار شکنیهای هردو رژیم در استقرار هرچه سریعتر یک صلح پایدار میان طرفین بوده است. هر یک از دو طرف بایراه انداختن جارو جنگال تبلیغاتی کوشیده است طرف مقابل را به مخالفت با برقراری صلح و آرامش در منطقه و طولانی کردن زمان مذاکرات متهم کند. قرار است روز دوشنبه ۹ آبان پس از یک دوره بقیه در صفحه ۵

روز پنجشنبه ۲۸ مهرماه، وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به اعلام آمادگی عراق جهت استرداد اسیران جنگی، کوشید کار مبادله اسرا را با بن بست روبرو سازد.

جمهوری اسلامی با تاکید بر این موضع که همه بندهای طرح چهارماده‌ای دبیرکل سازمان ملل شامل عقب نشینی نیروها، مبادله اسرا، خویشتن داری از اعمال حق تفتیش و بازرسی کشتی‌ها و لایروبی اروندرود (شط العرب) باید همزمان اجرا شوند، عملاً در امر آزادی اسیران جنگی کارشکنی کرده، آنها را به تحمل رنجهای طولانی تر اسارت و خانواده‌هایشان را به سوختن در آتش انتظار محکوم نموده است. سران رژیم خمینی با دستاویز قرار دادن سنگ اندازی

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را بر پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> يك ساله
۴۴ =	۲۱ =		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸ =	۵۲ =		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵ =	۱۰۲ =		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.231
MONDAY, 31. oct, 88

آدرس: **Address: Ruzbeh**
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید